



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

مقایسه بین‌المللی قیمت و تورم دلاری کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب (ایران، عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین، ایتالیا)

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان



عنوان پژوهش: مقایسه بین‌المللی قیمت و تورم دلاری کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب (ایران، عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا)

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان

تهیه کننده: پریسا حمیدی

ناظر: مرتضی درخشان

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: قیمت دلاری کالاها، قدرت خرید خانوار، دستمزد واقعی، برابری قدرت خرید

فهرست:

- ۱- چکیده مدیریتی ۴
- ۲- پیشگفتار ۷
- ۳- تصویر کلان قیمت و تورم در ایران و کشورهای منتخب ۹
 - ۳-۱. روند تورم و شاخص قیمت مصرف کننده در ایران ۹
 - ۳-۲. مقایسه روند تورم در ایران و مقایسه با کشورهای عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا ۱۲
- ۴- مقایسه خرده فروشی کالاهای مصرفی ۱۶
 - ۴-۱. انتخاب اقلام مصرفی برای مقایسه ۱۶
 - ۴-۲. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ ۱۹
 - ۴-۳. تحلیل بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) ۲۴
 - ۴-۴. جمع بندی تطبیقی رویکردهای (FX) و (PPP) ۳۱
- ۵- مقایسه عمده فروشی کالاهای فله‌ای ۳۲
 - ۵-۱. تعریف و سبد کالاهای فله‌ای ۳۲
 - ۵-۲. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ ۳۶
 - ۵-۳. تحلیل حاشیه توزیع میان عمده فروشی و خرده فروشی (Mark-up Analysis) ۴۱
- ۶- ارزیابی دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران ۴۶
- ۷- مقایسه دستمزد و قدرت خرید اقلام ضروری ۵۰
 - ۷-۱. قدرت خرید کالایی و مقایسه دستمزد دلاری کشورهای منتخب ۵۰
 - ۷-۲. قدرت خرید کالاهای ضروری بر اساس دستمزد ۵۴
 - ۷-۳. تحلیل شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری ۵۴
- ۸- جمع بندی و پیشنهادهای سیاستی ۵۷
 - ۸-۱. آیا قیمت اقلام ضروری ایران جهانی شده است؟ ۵۸
 - ۸-۲. آیا درآمد ایرانیان هم جهانی شده است؟ ۵۹
 - ۸-۳. منشأ فشار معیشتی چیست؟ ۶۰
 - ۸-۴. پیشنهادهای سیاستی ۶۱

فهرست جداول

- ۱۰ جدول ۱- نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵
- ۱۱ جدول ۲- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵
- ۱۳ جدول ۳- نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در کشورهای منتخب، ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴
- جدول ۴- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ برای ایران و ۲۰۲۵ برای سایر کشورها) ۱۶
- جدول ۵- میانگین نرخ دلار در سال ۲۰۲۵ در کشورهای منتخب بر اساس منابع بین المللی ۲۰
- جدول ۶- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب قیمت واقعی ارز (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵) ۲۱
- جدول ۷- میانگین ضریب برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴ در کشورهای منتخب بر اساس آمار بانک جهانی ۲۵
- جدول ۸- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ضریب برابری قدرت خرید (PPP) ۲۵
- جدول ۹- قیمت عمدهفروشی اقلام کالاهای منتخب در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵) ۳۲
- جدول ۱۰- قیمت عمدهفروشی اقلام منتخب بر حسب دلار آمریکا به ازای هر تن بر مبنای نرخ ارز بازار، (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵) ۳۸
- جدول ۱۱- مقایسه حاشیه توزیع کالاهای متناظر عمدهفروشی و خردهفروشی در ایران، عراق و ترکیه (سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵) ۴۳
- جدول ۱۲- جمع بندی شواهد دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران ۴۷
- جدول ۱۳- چارچوب محاسبه دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب ۵۲
- جدول ۱۴- قدرت خرید اقلام ضروری بر اساس دستمزد ماهانه دلاری ۵۴
- جدول ۱۵- شاخص شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری در سبد منتخب کالاهای ضروری ۵۵



۱- چکیده مدیریتی

گزارش پیش‌رو با هدف بررسی وضعیت قیمت اقلام ضروری و کالاهای مصرفی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب شامل عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا تهیه شده است. پرسش اصلی گزارش آن است که آیا قیمت اقلام ضروری و مصرفی در ایران، به‌ویژه کالاهای خوراکی، اقلام معیشتی، کالاهای بهداشتی، شوینده‌ها و خدمات پایه، به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است و در صورت وقوع چنین روندی، آیا درآمد و دستمزد خانوار ایرانی نیز متناسب با آن افزایش یافته است یا خیر.

برای پاسخ به این پرسش، قیمت کالاها و خدمات منتخب در چند سطح مورد بررسی قرار گرفته است: نخست، مقایسه قیمت‌های خرده‌فروشی بر حسب ارز محلی؛ دوم، تبدیل قیمت‌ها به دلار آمریکا بر اساس نرخ ارز بازار؛ سوم، تعدیل قیمت‌ها بر اساس برابری قدرت خرید؛ چهارم، مقایسه قیمت‌های عمده‌فروشی کالاهای فله، نهاده‌محور و اقلام پایه؛ پنجم، تحلیل فاصله قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ و در نهایت، سنجش قدرت خرید اقلام ضروری و یک سبد منتخب ۲۱ قلمی بر اساس دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب.

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که قیمت همه کالاها در ایران جهانی نشده است؛ اما در بخشی از اقلام خوراکی، واردات‌محور، نهاده‌بر و برخی اقلام مصرفی تکرارشونده خانوار، نشانه‌های روشنی از نزدیک شدن قیمت‌ها به سطوح منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود. این وضعیت در کالاهایی مانند برنج، گوشت، حبوبات، چای، روغن نباتی، برخی اقلام پروتئینی و بخشی از کالاهای مصرفی و بهداشتی برجسته‌تر است. در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه، مانند بنزین، برق، گاز خانگی و تا حدی اینترنت، همچنان به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای فاصله قابل توجهی با قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی دارند. بنابراین، جهانی شدن قیمت‌ها در ایران پدیده‌ای عمومی و فراگیر نیست، بلکه نامتوازن، کالامحور و وابسته به نوع کالا است.

نتایج تحلیل بر اساس برابری قدرت خرید نیز نشان می‌دهد که مسئله فقط تبدیل ریالی قیمت‌ها به دلار نیست. در برخی اقلام، حتی پس از تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها میان کشورها، قیمت نسبی ایران همچنان در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. این موضوع به‌ویژه در بخشی از حبوبات، چای، برنج، برخی اقلام پروتئینی و تعدادی از کالاهای بهداشتی و شوینده قابل مشاهده است و نشان می‌دهد که فشار هزینه‌ای خانوار ایرانی فقط به خوراکی‌ها محدود نیست، بلکه بخشی از اقلام مصرفی و تکرارشونده غیرخوراکی را نیز دربر می‌گیرد.

بررسی عمده‌فروشی و حاشیه قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی نشان می‌دهد که منشأ گرانی در همه کالاها یکسان نیست. در برخی اقلام، فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز



می‌شود؛ در برخی دیگر، فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، شبکه توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارند. بنابراین، تحلیل گرانی کالاهای ضروری در ایران باید از سطح خرده‌فروشی فراتر رود و کل زنجیره ارزش، از تأمین نهاده و واردات تا تولید، عمده‌فروشی، توزیع و عرضه نهایی، مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج مقایسه دستمزد و قدرت خرید نشان می‌دهد که اگرچه بخشی از قیمت کالاهای ضروری و مصرفی به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است، اما درآمد و دستمزد ایرانیان متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. دستمزد دلاری ایران، بر مبنای شاخص دستمزد مورد استفاده در گزارش، پایین‌تر از بیشتر کشورهای مورد بررسی است و این در حالی است که قیمت دلاری برخی اقلام ضروری الزاماً پایین‌تر از این کشورها نیست. به همین دلیل، فشار واقعی قیمت‌ها بر خانوار ایرانی بیش از آن چیزی است که صرفاً از مقایسه قیمت دلاری کالاها برداشت می‌شود.

محاسبه قدرت خرید اقلام خوراکی ضروری نشان می‌دهد که خانوار ایرانی برای خرید بخشی از اقلام مهم، از جمله گوشت گاو، برنج، روغن، شکر، لوبیا چیتی و چای خارجی، در مقایسه با بسیاری از کشورهای منتخب با محدودیت بیشتری مواجه است. همچنین محاسبه سبد منتخب ۲۱ قلمی نشان می‌دهد که اگرچه هزینه دلاری این سبد در ایران از برخی کشورها پایین‌تر است، اما سهم آن از دستمزد ماهانه در ایران از همه کشورهای مورد بررسی بیشتر است. این یافته نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفاً بالا بودن قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری و مصرفی از یک‌سو و سطح دستمزد از سوی دیگر است.

بر اساس نتایج گزارش، منشأ فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی را باید در هم‌زمانی چند عامل جست‌وجو کرد: تورم مزمن، نوسان نرخ ارز، افزایش هزینه نهاده‌ها و واردات، ضعف در زنجیره تأمین و توزیع، عقب‌ماندگی دستمزد واقعی از هزینه‌های ضروری و نامتوازن بودن ساختار حمایت‌های قیمتی و یارانه‌ای. در حالی که بخشی از اقلام خوراکی و مصرفی برای خانوارها گران شده‌اند، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه همچنان بسیار پایین‌تر از سطح قیمت کشورهای منتخب عرضه می‌شوند. این ناهمگونی نشان می‌دهد که منابع حمایتی الزاماً به‌طور مستقیم به تقویت توان خرید کالاهای ضروری خانوار منجر نمی‌شود.

پیام سیاستی اصلی گزارش آن است که کاهش فشار بر خانوار ایرانی تنها با کنترل مقطعی قیمت‌ها یا مداخله کوتاه‌مدت در بازار چند قلم کالا امکان‌پذیر نیست. سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه نیازمند رویکردی ترکیبی و هماهنگ است؛ رویکردی که هم‌زمان مهار پایدار تورم، ثبات بخشی به نرخ ارز، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع، هدفمند کردن حمایت‌های معیشتی، تقویت نظام پایش قیمت‌ها و حفظ قدرت خرید دستمزد را دنبال کند. بدون چنین رویکردی، شکاف میان قیمت کالاهای ضروری و سطح درآمد خانوار تداوم یافته و فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی به‌صورت پایدار کاهش نخواهد یافت.



۲- پیشگفتار

در سال‌های اخیر، قیمت و تورم کالاهای مصرفی، به‌ویژه اقلام خوراکی، به یکی از اصلی‌ترین کانال‌های انتقال فشار تورمی به خانوارهای ایرانی تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی مرکز آمار، تورم سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده در پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۷۱.۸ درصد رسیده و در همین دوره، تورم سالانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به حدود ۱۱۲.۷ درصد صعود کرده است؛ به این معنا که قیمت مواد غذایی در فاصله اسفند ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۴ بیش از دو برابر شده است. در اسفند ۱۴۰۴ نیز تورم ماهانه خوراکی‌ها حدود ۸.۶ درصد و برای کل سبد کالا و خدمات ۵.۶ درصد گزارش شده که نشان می‌دهد تورم خوراکی‌ها به‌طور مستمر از متوسط تورم کل جلوتر حرکت کرده است.^۱

در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ فشار هزینه‌ای خوراکی‌ها بر بودجه خانوار به سطوحی رسیده است که در آمار رسمی دهه‌های گذشته سابقه نداشته است. برآوردهای مبتنی بر داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد حداقل هزینه تأمین یک سبد خوراکی حداقلی برای یک خانوار شهری در میانه سال ۱۴۰۴، به سطحی رسیده که از حداقل دستمزد مصوب همان سال فراتر می‌رود و بخش غالب درآمد خانوار را می‌بلعد. در سال ۱۴۰۵ نیز برآوردهای منتشرشده نشان می‌دهد که برای یک خانوار چهار نفره، هزینه سبد خوراکی استاندارد در فروردین به حدود ۸۵ درصد حداقل درآمد خانوار (شامل دستمزد و یارانه کالا برگ) رسیده است، به این معنا که تقریباً تمام ظرفیت دستمزد صرف تأمین خوراک می‌شود و فضای اندکی برای سایر مخارج ضروری باقی می‌ماند.

در گزارش دیگری، هزینه سبد خوراکی اساسی یک خانوار چهار نفره حدود ۱۹.۵ تا ۲۵ میلیون تومان در ماه تخمین زده شده، در حالی که سبد معیشت مصوب و حداقل دستمزد مصوب ۱۴۰۵، فاصله قابل توجهی با این ارقام دارد و برآوردهای رسمی سبد معیشتی کارگران برای سال ۱۴۰۵ را در بازه ۳۳ تا ۳۸ میلیون تومان در ماه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، در بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد، بین دو سوم تا تمام درآمد ماهانه صرف تأمین حداقل سبد خوراکی می‌شود.^۲

چنین وضعیتی نشان می‌دهد که هر جهش قیمتی در گروه خوراکی‌ها، به‌طور مستقیم و با شدت بالا به رفاه خانوارها - به‌ویژه دهک‌های پایین و خانوارهای فاقد پشتوانه مالی - منتقل می‌شود و عملاً امکان پس‌انداز یا پوشش سایر نیازهای حیاتی را محدود می‌کند.^۳

این شرایط در بستر مقایسه‌های بین‌المللی، تصویر نگران‌کننده‌تری پیدا می‌کند. هزینه سبد غذایی در ایران، پس از تبدیل به دلار، در حال نزدیک شدن به هزینه‌های مشابه در برخی کشورهای همسایه و خلیج

^۱ <https://www.didbaniran.ir/>

^۲ <https://www.eghtesadonline.com/fa/news/۲۱۰۸۱۰۸/>

^۳ <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۸۵۷۹>

فارس از جمله ترکیه، امارات و عمان است؛ در حالی که درآمد سرانه و دستمزدهای دلاری در این کشورها چندین برابر ایران است. به عنوان نمونه، در یکی از مقایسه‌های رسانه‌ای، اشاره شده که در حالی که درآمد سرانه ترکیه حدود ۶.۷ برابر ایران برآورد شده، قیمت برخی اقلام مانند یک شانه تخم مرغ در ترکیه حدود ۲ دلار و در ایران حدود ۲.۳ دلار است، یعنی سطح قیمت این کالای اساسی در ایران حتی اندکی بالاتر از ترکیه است. چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفاً «گرانی اسمی» نیست؛ بلکه شکاف میان سطح قیمت‌ها و سطح درآمد در ایران باعث شده فشار واقعی هزینه‌های خوراکی بر خانوار ایرانی به مراتب سنگین‌تر از بسیاری از همسایگان باشد.^۴

در کنار این واقعیت‌ها، بررسی «تورم دلاری» کالاها، یعنی روند قیمت هر کالا پس از تبدیل به دلار، اهمیت ویژه‌ای برای تحلیل سیاستی دارد. شواهد موجود حاکی از آن است که در برخی اقلام اساسی مانند برنج و گوشت، قیمت دلاری در ایران نسبت به متوسط منطقه‌ای بالاتر است و در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی را تجربه کرده است، در حالی که در برخی دیگر از اقلام، رشد قیمت بیشتر ناشی از افت ارزش پول ملی و نوسانات نرخ ارز بوده است. تمایز میان این دو دسته، برای سیاست‌گذار حیاتی است؛ زیرا مشخص می‌کند در کدام موارد باید مداخلات بر اصلاح ساختار هزینه تولید، واردات، و شبکه توزیع متمرکز شود و در کدام موارد مدیریت نوسانات ارزی و سیاست‌های کلان پولی و مالی نقش تعیین‌کننده دارد.

مجموعه این شواهد، نشان می‌دهد که تحلیل تطبیقی قیمت کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب، ضرورتی برای طراحی سیاست‌های رفاهی، دستمزدی، ارزی و تجاری محسوب می‌شود.

انتخاب کشورهای مقایسه‌ای در این گزارش با هدف قرار دادن ایران در چارچوبی قابل سنجش و بین‌المللی انجام شده است. در این چارچوب، کشورهایی برگزیده شده‌اند که از منظر سطح درآمد سرانه، ساختار اقتصادی (سهم نسبتاً بالای کالاهای خوراکی در سبد مصرف)، و تجربه تورم‌های مزمن یا دوره‌ای، شباهت معناداری با ایران دارند. انتخاب این کشورها امکان می‌دهد روند و شدت افزایش قیمت خوراکی‌ها در ایران در مقایسه با اقتصادهای هم‌تراز ارزیابی شود و مشخص گردد که فشار تورمی وارد بر خانوار ایرانی تا چه حد ناشی از عوامل مشترک جهانی و تا چه حد محصول ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران است.

همچنین در گزارش پیش رو، تمایز میان سطح خرده‌فروشی^۵ و عمده‌فروشی^۶ در تحلیل رفتار قیمتی خوراکی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. خرده‌فروشی به معنای فروش مستقیم کالاهای مصرفی به مصرف‌کننده نهایی، در مقادیر کوچک و برای مصرف خود خانوار است؛ همان چیزی که در ادبیات بازاریابی و زنجیره تأمین، مرحله نهایی عرضه کالا در فروشگاه‌های محلی، سوپرمارکت‌ها و سایر واحدهای خرده‌فروشی تلقی

^۴ <https://www.shahrekhabar.com/news/۱۷۷۱۵۸۳۵۲۰۱۵۰۳۸>

^۵ item-level- micodata- item-level price quotes

^۶ unpackaged goods - bulk food



می‌شود. در چنین سطحی، قیمت‌ها مستقیماً بر بودجه خانوار اثر می‌گذارند و هر تغییر قیمتی بلافاصله در قدرت خرید مصرف‌کنندگان منعکس می‌شود.

در مقابل، عمده‌فروشی کالاهای فله‌ای، به فروش مقادیر بزرگ‌تر کالا، عموماً بدون بسته‌بندی کارخانه‌ای و به‌صورت کیلویی یا حجمی، به خرده‌فروشان، واحدهای خدمات غذایی و دیگر بنگاه‌ها اشاره دارد. در این سطح، اقلام فله‌ای مانند برنج، حبوبات، شکر، ادویه، روغن و سایر مواد غذایی پایه، به‌عنوان ورودی زنجیره تأمین خرده‌فروشی عمل می‌کنند و نوسانات قیمت در بازار عمده، با وقفه‌ای کوتاه، به سطح خرده‌فروشی منتقل می‌شود. از این رو، رصد هم‌زمان قیمت‌ها در دو سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برای درک سازوکار انتقال تورم خوراکی و نحوه شکل‌گیری قیمت نهایی برای مصرف‌کننده، ضروری است.

۳- تصویر کلان قیمت و تورم در ایران و کشورهای منتخب

تورم و رفتار شاخص قیمت مصرف‌کننده در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده و جایگاه این کشور را در میان اقتصادهای دارای تورم بالا تثبیت کرده است. در این بخش، ابتدا روند تورم در ایران طی حدود یک دهه اخیر بر اساس داده‌های رسمی مرور می‌شود، سپس جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای منتخب، تبیین می‌گردد.

۳-۱. روند تورم و شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران

روند تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده ^۷ CPI در ایران نشان می‌دهد که در میانه دهه ۱۳۹۰، پس از یک دوره نسبتاً کوتاه تورم تک‌رقمی، روند تورم بار دیگر صعودی شده و از ابتدای دهه ۱۴۰۰ به‌طور پایدار در سطوح بسیار بالا تثبیت شده است.

بر اساس آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی ایران، نرخ تورم سالانه ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۹ درصد بوده است. این نرخ از سال ۱۳۹۷ به‌بعد، هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، جهش نرخ ارز و افزایش انتظارات تورمی، به‌طور محسوس افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ عمده‌تاً در محدوده ۴۰ تا بالای ۵۰ درصد قرار داشته است. گزارش‌های تحلیلی مبتنی بر داده‌های رسمی نشان می‌دهد که تورم سالانه در برخی از این سال‌ها به حدود ۵۰ درصد و بالاتر رسیده و در نتیجه، ایران برای دومین بار پس از میانه دهه ۱۳۷۰، تورم نزدیک به ۵۰ درصد را تجربه کرده است.

^۷ شاخص قیمت مصرف‌کننده-Consumer Price Index

جدول ۱- نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵^۸

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
۱۳۹۰	۲۱.۵	۱۴۰۰	۴۶.۲
۱۳۹۱	۳۰.۵	۱۴۰۱	۵۳.۱
۱۳۹۲	۳۴.۷	۱۴۰۲	۴۷.۴
۱۳۹۳	۱۵.۶	۱۴۰۳	۳۵.۸
۱۳۹۴	۱۱.۹	۱۴۰۴	۴۸.۳
۱۳۹۵	۹.۰	۱۴۰۵ (میانگین فروردین و اردیبهشت)	۵۲.۲
۱۳۹۶	۹.۶	-	-
۱۳۹۷	۳۱.۲	-	-
۱۳۹۸	۴۱.۲	-	-
۱۳۹۹	۴۷.۱	-	-

نرخ تورم نقطه‌ای یا سالانه در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ اگرچه به‌طور موقت به سطوح حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد نزدیک شده، اما از اواخر ۱۴۰۴ و اوایل ۱۴۰۵ مجدداً روند صعودی به خود گرفته است. گزارش صندوق بین‌المللی پول و برخی مراجع تحلیلی مستقل نشان می‌دهد که تورم سالانه ایران در آخرین برآوردها به حدود ۶۸.۹ درصد رسیده است؛ رقمی که ایران را پس از ونزوئلا و سودان، در جایگاه سومین کشور با بالاترین نرخ تورم سالانه در جهان قرار می‌دهد^۹.

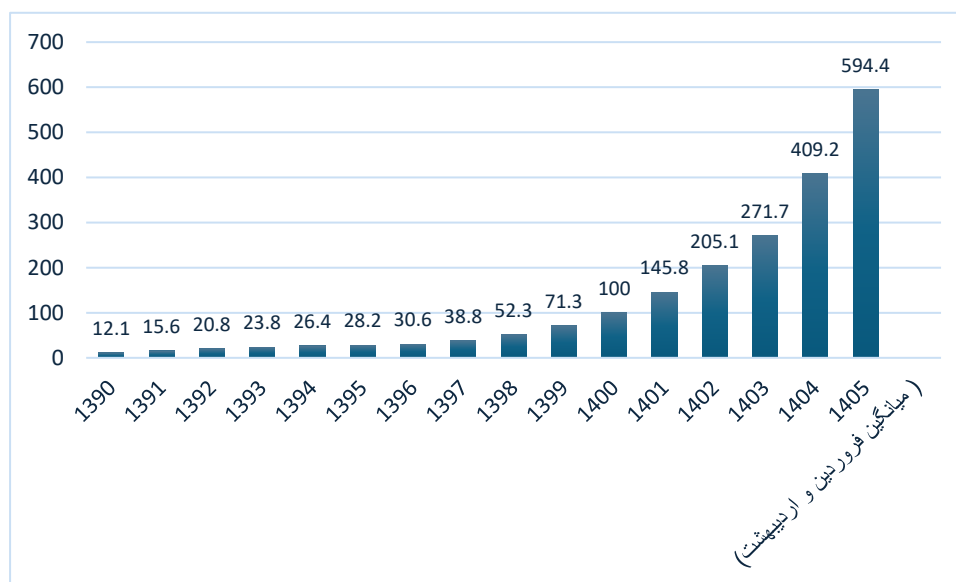
این روند به معنای آن است که شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران طی فاصله نسبتاً کوتاهی چندین برابر شده و قدرت خرید درآمدهای اسمی خانوارها به‌طور مستمر تضعیف شده است. تورم در ایران نه یک پدیده مقطعی، بلکه نتیجه ترکیب عواملی همچون رشد بالای نقدینگی، ناترازی بودجه دولت، شوک‌های مکرر ارزی و بی‌ثباتی انتظارات است.

^۸ https://cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx^۹ <https://digiato.com/finance-investment/inflation-world-economic-outlook-april-۲۰۲۶>

جدول ۲- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵^{۱۱}

شاخص قیمت مصرف کننده در ایران	سال	شاخص قیمت مصرف کننده در ایران	سال
۵۲.۳	۱۳۹۸	۱۲.۱	۱۳۹۰
۷۱.۳	۱۳۹۹	۱۵.۶	۱۳۹۱
۱۰۰	۱۴۰۰	۲۰.۸	۱۳۹۲
۱۴۵.۸	۱۴۰۱	۲۳.۸	۱۳۹۳
۲۰۵.۱	۱۴۰۲	۲۶.۴	۱۳۹۴
۲۷۱.۷	۱۴۰۳	۲۸.۲	۱۳۹۵
۴۰۹.۲	۱۴۰۴	۳۰.۶	۱۳۹۶
۵۹۴.۴	۱۴۰۵ (میانگین فروردین و اردیبهشت)	۳۸.۸	۱۳۹۷

نمودار ۱- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵



جدول ۲ و نمودار ۱ نشان می دهند شاخص قیمت مصرف کننده در ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۵ رشدی کاملاً شتاب گیر و فزاینده داشته است. شاخص از ۱۲.۱ در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۰ در سال ۱۴۰۰ می رسد،

^{۱۱} <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۸۵۹۵>



یعنی سطح قیمت‌ها طی ده سال حدوداً بیش از ۸ برابر شده است. در عین حال، از ۱۴۰۰ به بعد، شیب افزایش بسیار تندتر می‌شود؛ شاخص از ۱۰۰ در ۱۴۰۰ به ۱۴۵.۸ در ۱۴۰۱، سپس ۲۰۵.۱ در ۱۴۰۲ و ۲۷۱.۷ در ۱۴۰۳ می‌رسد که نشان‌دهنده تورم‌های بالا و تقریباً پیاپی در سه سال متوالی است. جهش اصلی در ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ رخ می‌دهد؛ شاخص از ۴۰۹.۲ در ۱۴۰۴ به ۵۹۴.۴ (میانگین فروردین و اردیبهشت) در ۱۴۰۵ می‌رسد، یعنی تنها در یک سال حدود ۴۵ درصد دیگر به سطح عمومی قیمت‌ها اضافه شده و در نتیجه نسبت به ۱۳۹۰، قیمت‌ها نزدیک به ۵۰ برابر شده‌اند. این روند حاکی از آن است که تورم در ایران نه تنها یک پدیده موقتی نبوده، بلکه در دهه ۱۴۰۰ به یک تورم مزمن و پرشتاب تبدیل شده که فشار شدیدی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند.

۲-۳. مقایسه روند تورم در ایران و مقایسه با کشورهای عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا

بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، ایران در سال‌های اخیر جزو کشورهای با بالاترین نرخ تورم در جهان بوده است. برای سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵، پیش‌بینی‌ها و گزارش‌ها تورم ایران را در بازه حدود ۳۰ تا بیش از ۴۰ درصد قرار داده‌اند، در حالی که میانگین تورم کشورهای در حال توسعه در حدود ۵ تا ۶ درصد بوده است.^{۱۱}

در مقابل، کشورهای مورد مقایسه (عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا) عموماً تورم‌های تک‌رقمی یا دو رقمی پایین داشته‌اند؛ جدول زیر با توجه به آمار ارائه شده از نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)، تهیه شده است.

^{۱۱} <https://donya-e-eqtasad.com/b/۳۸۰۶۷۲۹>



جدول ۳- نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در کشورهای منتخب، ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴^{۱۲}

ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا	
۲۶.۲	۵.۸	۱۱.۹	۶.۴	۸.۹	۵.۵	۲.۷	۲۰۱۱
۲۷.۲	۶	۹.۶	۸.۸	۹.۴	۲.۶	۳	۲۰۱۲
۳۶.۶	۱.۸	۷.۶	۷.۴	۱۰	۲.۶	۱.۲	۲۰۱۳
۱۶.۶	۲.۲	۷.۱	۸.۸	۶.۶	۱.۹	۰.۲	۲۰۱۴
۱۲.۴	۱.۳	۲.۵	۷.۶	۴.۹	۱.۴	۰.۰۳	۲۰۱۵
۷.۲	۰.۵	۳.۷	۷.۷	۴.۹	۲.۰	-۰.۰۹	۲۰۱۶
۸	۰.۱	۴	۱۱.۱	۳.۳	۱.۵	۱.۲	۲۰۱۷
۱۸	۰.۳	۵	۱۶.۳	۳.۹	۲.۰	۱.۳	۲۰۱۸
۳۹.۹	-۰.۱	۱۰.۵	۱۵.۱	۳.۷	۲.۸	۰.۶	۲۰۱۹
۳۰.۵	۰.۵	۹.۷	۱۲.۲	۶.۶	۲.۴	-۰.۱	۲۰۲۰
۴۳.۳	۶	۹.۴	۱۹.۵	۵.۱	۰.۹	۱.۸	۲۰۲۱
۴۳.۴	۴.۹	۱۹.۸	۷۲.۳	۶.۶	۱.۹	۸.۲	۲۰۲۲
۴۴.۵	۴.۳	۳۰.۷	۵۳.۸	۵.۶	۰.۲	۵.۶	۲۰۲۳
۳۲.۴	۲.۶ ^{۱۳}	۱۲.۶	۸۵.۵	۴.۹	۰.۲	۰.۹	۲۰۲۴

^{۱۲} <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG>

^{۱۳} <https://www.focus-economics.com/country-indicator/iraq/inflation>



داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ایران در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴، در مقایسه با کشورهای منتخب، یکی از پایدارترین و مزمین‌ترین سطوح تورم بالا را تجربه کرده است. نرخ تورم ایران در اغلب سال‌های مورد بررسی دو رقمی بوده و پس از یک دوره کاهش نسبی در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، از سال ۲۰۱۸ به بعد مجدداً وارد سطوح بسیار بالا شده است. تورم ۳۹.۹ درصدی در سال ۲۰۱۹، ۴۳.۳ درصدی در سال ۲۰۲۱، ۴۳.۴ درصدی در سال ۲۰۲۲ و ۴۴.۵ درصدی در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با تورم مزمین و پرشتاب مواجه بوده است. هرچند نرخ تورم در سال ۲۰۲۴ به ۳۲.۴ درصد کاهش یافته، اما همچنان فاصله معناداری با تورم بیشتر کشورهای منتخب دارد.

در میان کشورهای مورد مقایسه، ترکیه تنها کشوری است که در سال‌های اخیر تورمی بالاتر از ایران را تجربه کرده است. نرخ تورم ترکیه از ۱۹.۵ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۷۲.۳ درصد در سال ۲۰۲۲ و ۸۵.۵ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است. این روند نشان می‌دهد که ترکیه در سال‌های اخیر با یک موج شدید تورمی مواجه بوده، اما تفاوت آن با ایران در این است که تورم بالا در ایران سابقه‌ای طولانی‌تر و مزمین‌تر دارد، در حالی که جهش تورمی ترکیه بیشتر در سال‌های اخیر متمرکز شده است.

پاکستان نیز در برخی سال‌ها با تورم نسبتاً بالا مواجه بوده است؛ به‌ویژه در سال ۲۰۲۳ که نرخ تورم این کشور به ۳۰.۷ درصد رسید. با این حال، تورم پاکستان در بیشتر سال‌های جدول پایین‌تر از ایران بوده و شدت و تداوم تورم در آن با ایران قابل مقایسه نیست. در مورد عراق، داده‌های جدول نشان می‌دهد که نرخ تورم این کشور در بیشتر سال‌های مورد بررسی در سطحی پایین و عمدتاً تک‌رقمی قرار داشته است. تورم عراق در برخی سال‌ها مانند ۲۰۱۹ نزدیک به صفر یا منفی بوده، اما در سال‌های بعد نیز به‌طور کلی در سطوحی بسیار پایین‌تر از ایران باقی مانده است. حتی با ثبت تورم ۲.۶ درصدی در سال ۲۰۲۴، فاصله تورمی عراق با ایران همچنان قابل توجه است؛ این تفاوت نشان می‌دهد که برخلاف ایران، تورم در عراق طی دوره مورد بررسی ماهیتی مزمین و پرشتاب نداشته و عمدتاً در محدوده قابل کنترل باقی مانده است. در اقتصادهای بزرگ آسیایی، یعنی هند و چین، الگوی تورمی به‌مراتب باثبات‌تر است. تورم هند در بیشتر سال‌ها در محدوده تک‌رقمی قرار داشته و حتی در سال‌های دارای فشار قیمتی نیز از سطح تورم ایران فاصله زیادی داشته است. چین نیز باثبات‌ترین وضعیت را در میان کشورهای منتخب نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که نرخ تورم این کشور در اغلب سال‌ها بین صفر تا حدود ۳ درصد نوسان کرده است. این وضعیت بیانگر آن است که ثبات قیمتی در چین نسبت به سایر کشورهای منتخب، به‌ویژه ایران و ترکیه، بسیار بیشتر بوده است.

ایتالیا هم به‌عنوان یک اقتصاد عضو منطقه یورو، در بیشتر سال‌های جدول تورم پایین و نزدیک به هدف تورمی اقتصادهای پیشرفته داشته است. تنها در سال ۲۰۲۲، هم‌زمان با شوک‌های جهانی انرژی و پیامدهای



دوره پساکرونا، تورم ایتالیا به ۸.۲ درصد افزایش یافته، اما در سال‌های بعد کاهش یافته و در سال ۲۰۲۴ به ۰.۹ درصد رسیده است. این روند نشان می‌دهد که شوک تورمی در ایتالیا عمدتاً مقطعی بوده و به تورم مزمن تبدیل نشده است.

در مجموع، جدول ۳ نشان می‌دهد که مسئله تورم در ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای منتخب، ماهیتی ساختاری و پایدار دارد. به جز ترکیه در سال‌های اخیر، هیچ‌یک از کشورهای مورد بررسی به‌طور مستمر تورم‌هایی در سطح ایران را تجربه نکرده‌اند. این تفاوت نشان می‌دهد که فشار قیمتی وارد بر خانوار ایرانی صرفاً ناشی از شوک‌های جهانی یا افزایش قیمت کالاهای وارداتی نیست، بلکه ریشه در بی‌ثباتی‌های داخلی اقتصاد کلان، نوسانات نرخ ارز، رشد هزینه‌های تولید و ضعف سازوکارهای مهار پایدار تورم دارد. از این رو، تحلیل قیمت کالاهای مصرفی در ایران باید در بستر تورم مزمن و کاهش مستمر قدرت خرید خانوار بررسی شود.

۴- مقایسه خرده‌فروشی کالاهای مصرفی

۴-۱. انتخاب اقلام مصرفی برای مقایسه

برای مقایسه قیمت خرده‌فروشی کالاهای مصرفی در کشورهای منتخب، سبدهی از اقلام پرمصرف خانوار انتخاب شده است. این سبد به‌گونه‌ای طراحی شده که علاوه بر کالاهای خوراکی اصلی، بخشی از هزینه‌های روزمره غیرخوراکی، اقلام بهداشتی، شوینده‌ها، انرژی و خدمات پایه خانوار را نیز پوشش دهد. هدف از این انتخاب، ارائه تصویری نزدیک‌تر به ساختار واقعی هزینه خانوار و سنجش جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا است.

اقلام خوراکی سبد شامل گروه‌هایی مانند غلات و نان، انواع برنج، گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات، روغن، قند و شکر، حبوبات، چای، ماکارونی، میوه، سبزی و صیفی‌جات و برخی کالاهای فرآوری‌شده است. در کنار این اقلام، کالاهایی مانند شامپو، خمیردندان، صابون، دستمال کاغذی، پوشک بچه، پد بهداشتی بانوان، مایع ظرفشویی و پودر یا مایع لباسشویی نیز در نظر گرفته شده‌اند تا هزینه‌های مصرفی غیرخوراکی خانوار نیز در تحلیل منعکس شود.

همچنین حامل‌های انرژی و خدمات پایه شامل گاز خانگی، بنزین، برق خانگی و اینترنت در جدول لحاظ شده‌اند. این اقلام به دلیل نقش سیاست‌های یارانه‌ای، قیمت‌گذاری اداری و تنظیم‌گری دولتی، ماهیتی متفاوت از کالاهای خوراکی و مصرفی دارند؛ بنابراین در تحلیل نتایج، تفکیک میان خوراکی‌ها، کالاهای مصرفی غیرخوراکی، اقلام بهداشتی و شوینده، و انرژی و خدمات پایه ضروری است.

جدول ۴- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ برای ایران و ۲۰۲۵ برای سایر کشورها)

ردیف	اقلام	واحد	ایران ^{۱۴} (ریال-IRR)	عراق (دینار-IQD) ^{۱۵}	پاکستان (روپیه-PKR) ^{۱۶}	ترکیه (لیر-TRY) ^{۱۷}	هند (روپیه-INR) ^{۱۸}	چین (یوان-CNY) ^{۱۹}	ایتالیا (یورو-EUR)
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۱,۳۱۰,۰۷۳	۲,۰۰۰	۲۵۰	۸۰	۶۱	۶.۵	۲.۶
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۵۰۰,۰۰۰	۱,۰۵۰	۱۸۰	۴۰	۴۴	۱۱.۲	۲.۱

^{۱۴} <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۲۴۲۸>

^{۱۵} <https://trek.zone/en/iraq/prices>

^{۱۶} https://www.pbs.gov.pk/wp-content/uploads/۲۰۲۰/۰۷/Executive-Summary-SPI-Report_۱۸,۱۲,۲۰۲۵.pdf

^{۱۷} https://www.numbeo.com/cost-of-living/country_result.jsp?country=Turkey

^{۱۸} https://www.numbeo.com/food-prices/country_result.jsp?country=India

^{۱۹} https://www.numbeo.com/food-prices/country_result.jsp?country=China

۱۷.۹	۷۶	۵۰۰	۷۵۰	۲,۲۰۰	۱۶,۵۰۰	۸,۷۰۶,۵۲۹	۱ کیلو	گوشت گاو	۳
۱۱	۲۳	۲۶۸	۱۵۰	۷۰۰	۵,۶۰۰	۱,۴۶۹,۸۱۸	۱ کیلو	گوشت مرغ	۴
۳.۷	۱۱	۸۵	۹۰	۳۶۰	۲,۳۰۰	۲۰۷۸۰,۰۰۰	۱۲ عدد	تخم مرغ	۵
۱.۴	۱۲	۶۱	۴۵	۲۲۰	۱,۵۵۰	۶۰۸,۴۲۴	۱ لیتر	شیر	۶
۳	۲۳	۱۱۰	۷۰	۲۶۰	۲,۵۰۰	۸۵۴,۷۴۰	۱ کیلو	ماست	۷
۷.۵	۸۹	۲۲۱	۱۷۵	۶۰۰	۳,۰۷۵	۱,۱۲۴,۸۷۳	۵۰۰ گرم	پنیر	۸
۳.۵	۱۹	۱۷۵	۱۱۵	۵۰۰	۲,۷۰۰	۱,۲۳۵,۴۱۱	۱ لیتر	روغن نباتی	۹
۲	۱۰	۵۳	۴۷	۱۸۰	۱,۲۵۰	۷۰۴,۳۲۰	۱ کیلو	شکر	۱۰
۲.۴	۱۲	۵۸	۴۷	۲۰۰	۱,۴۵۰	۹۳۶,۲۵۸	۱ کیلو	قند	۱۱
۳.۵	۱۴	۱۵۵	۱۰۰	۵۰۰	۲,۲۰۰	۴,۱۷۶,۳۸۲	۱ کیلو	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱۲
۱۲.۵	۳۰۰	۴۰۰	۲۶۲,۵	۲,۰۰۰	۳,۷۵۰	۵,۳۸۸,۹۹۹	۵۰۰ گرم	چای خارجی	۱۳
۴.۳	۷	۵۵	۲۰	۱۳۵	۷۵۰	۳۱۸,۲۹۵	۵۰۰ گرم	ماکارانی	۱۴
۲.۹	۸.۶	۴۷	۳۵	۱۵۰	۸۹۰	۴۱۹,۲۷۶	۱ کیلو	سبزی و صیفی جات (گوجه فرنگی)	۱۵
۲.۳	۱۲.۶	۱۸۲	۴۸	۳۲۰	۱,۳۵۰	۱,۱۶۸,۸۸۲	۱ کیلو	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱۶
۴.۲	۹	۹۰	۳۸	۲۴۰	۸۵۰	۴۲۴,۶۰۸	۱.۵ لیتری	نوشابه	۱۷
۲,۶۲	۶,۴۹	۶۰,۹۱	۸۹,۵۴	۳۴۵	۲,۱۳۶	۱,۶۸۳,۰۰۰	۱ کیلوگرم	برنج محلی	۱۸
۲,۱۰	۱۱,۲	۴۵	۳۰,۳۳	۱۸۷	۱,۰۷۱	۴۸۶,۰۰۰	۵۰۰ گرم یا یک عدد استاندارد	نان سنتی	۱۹
۱۸,۹	۷۰,۶	۵۰۳	۴۲۶	۲,۱۰۹	۲۳,۰۰۰	۷,۷۵۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	گوشت گوسفند	۲۰
۱۳	۵۰	۳۵۰	۲۱۰	۱,۲۰۰	۷,۰۰۰	۲,۱۰۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	ماهی	۲۱
۲,۵	۱۵	۱۸۰	۷۵	۵۰۰	۲,۵۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	قوطی ۱۸۰ گرم	تن ماهی	۲۲
۱,۸	۱۲	۶۰,۵	۶۰	۲۵۰	۱,۸۰۰	۵۵۰,۰۰۰	۱۰۰ گرم	کره	۲۳
۳,۵	۱۸	۱۲۰	۸۵	۴۰۴	۲,۴۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	عدس	۲۴
۳	۱۶	۹۵	۷۵	۲۵۰	۲,۰۰۰	۱,۷۰۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	نخود	۲۵
۳,۵	۱۴	۱۶۰	۹۵	۵۰۰	۲,۳۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	لوبیا قرمز	۲۶
۱,۷۶	۵,۰۱	۳۴	۲۵,۵	۱۱۳	۷۹۰	۴۷۷,۰۰۰	۱ کیلوگرم	سیب زمینی	۲۷
۱,۶۷	۶,۰۴	۳۷,۸۵	۱۸,۸۲	۱۵۱	۸۵۴	۴۶۸,۰۰۰	۱ کیلوگرم	پیاز	۲۸
۱,۸	۷	۴۵	۲۸	۱۲۰	۹۰۰	۵۵۰,۰۰۰	۱ کیلوگرم	خیار	۲۹

۲۰ هر تخم مرغ ۶۵/۰۰۰ ریال بوده است و هر یک کیلو ۱۸ تخم مرغ محاسبه شده است.

۱,۹۰	۸,۷۲	۶۲	۸۹	۲۳۲	۱,۵۱۹	۱,۳۳۲,۰۰۰	۱ کیلوگرم	موز	۳۰
۱,۶	۸	۱۵۰	۵۰	۶۵۰	۱,۵۰۰	۸۰۰,۰۰۰	قوطی ۸۰۰ گرم	رب گوجه‌فرنگی	۳۱
۱,۵	۶	۴۵	۳۰	۲۰۰	۷۵۰	۳۵۰,۰۰۰	بسته ۲۰۰ تا ۲۵۰ گرم	بیسکویت ساده	۳۲
۳,۵۷	۴۲	۲۷۰	۱۴۴	۲,۴۱۴	۳,۵۸۴	۴,۵۸۸,۱۹۰	بطری ۴۰۰ میلی‌لیتر	شامپو	۳۳
۲,۰۷	۱۶	۸۰	۹۷	۶۸۶	۲,۳۳۹	۷۴۹,۷۹۲	تیوب ۱۰۰ گرم	خمیردندان	۳۴
۱,۲	۶	۴۵	۳۰	۱۲۰	۷۵۰	۲۵۰,۰۰۰	۱۰۰ گرم	صابون	۳۵
۲,۴۰	۱۱	۱۷۴	۴۵	۸۷۹	۲,۳۹۶	۱,۰۸۵,۰۶۰	بسته ۱۰۰ برگ	دستمال کاغذی	۳۶
۹,۰۲	۵۱,۸۴	۳۵۱	۳۵۰	۱,۱۱۴	۸,۴۵۰	۴,۵۰۰,۰۰۰	بسته استاندارد	پوشک بچه	۳۷
۱۰	۱۸	۴۹۱	۱۰۲	۲,۳۹۹	۱,۵۰۰	۴,۸۵۷,۰۹۰	بسته استاندارد (۳۲ عددی)	پد بهداشتی بانوان	۳۸
۲,۷	۱۵,۶	۱۰۵	۶۵	۳۳۴	۳,۶۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۱ لیتر	مایع ظرفشویی	۳۹
۷	۳۷	۴۷۲	۱۸۵	۲,۲۲۵	۵,۴۵۶	۳,۴۳۹,۶۳۰	۱ کیلوگرم یا ۱ لیتر	پودر/مایع لباسشویی	۴۰
۱,۲	۳	۴۳	۷,۶	۱۲۰	۲۵۰	۵,۰۰۰	۱ مترمکعب	گاز خانگی	۴۱
۱,۸	۸	۱۰۳	۲۳۵۰	۲۸۵	۲۱۸۵۰	۱۵,۰۰۰	۱ لیتر	بنزین	۴۲
۰,۳	۰,۶	۸	۳	۲۳۵۰	۷۵	۵,۵۰۰	۱ کیلووات ساعت	برق خانگی	۴۳
۱,۳	۶,۵	۱۸	۱۴	۱۴۰	۱۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۱ گیگ	اینترنت	۴۴

الگوی ناهمگون و چندلایه دارد. در بخش خوراکی‌ها، برخی اقلام اساسی و پرمصرف مانند برنج، گوشت، حبوبات، چای، روغن، لبنیات و بخشی از کالاهای پروتئینی، در مقایسه با تعدادی از کشورهای منطقه و

^{۲۱} <https://trek.zone/en/iraq/prices>

^{۲۲} <https://trek.zone/en/turkey/prices>

^{۲۳} <https://reliefweb.int/report/pakistan/pakistan-market-monitor-report-may-۲۰۲۵>



اقتصادهای کم‌درآمد، در سطح قیمتی بالاتری قرار دارند. این موضوع نشان می‌دهد که فشار قیمت بر خانوار ایرانی تنها به چند قلم خاص محدود نیست و بخشی از اقلام اصلی سبد غذایی را دربر می‌گیرد. بررسی اقلامی مانند عدس، نخود، لوبیا قرمز، سیب‌زمینی، پیاز، خیار، موز، رب گوجه‌فرنگی و بیسکویت ساده نیز نشان می‌دهد که فشار قیمتی می‌تواند در کالاهای روزمره و پرمصرف خانوار نیز ظاهر شود. از سوی دیگر، اقلامی مانند شامپو، خمیردندان، دستمال کاغذی، پوشک بچه، پد بهداشتی، مایع ظرفشویی و شوینده لباس نشان می‌دهند که هزینه‌های غیرخوراکی خانوار نیز در ارزیابی فشار معیشتی اهمیت دارند و نمی‌توان تحلیل هزینه زندگی را صرفاً به اقلام خوراکی محدود کرد.

در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه مانند بنزین، برق خانگی، گاز خانگی و اینترنت، به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای، در ایران فاصله قابل توجهی با سطح قیمت در بسیاری از کشورهای منتخب دارند. بنابراین، مقایسه میانگین همه اقلام بدون تفکیک گروه‌های کالایی می‌تواند تصویر واقعی فشار معیشتی را مخدوش کند؛ زیرا ارزان بودن انرژی و برخی خدمات پایه، بخشی از فشار بالای قیمت خوراکی‌ها، کالاهای مصرفی و اقلام ضروری خانوار را در میانگین کلی پنهان می‌کند.

۲-۴. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX۲۴) در سال ۲۰۲۵

در این گزارش، برای تبدیل قیمت‌های خرده‌فروشی به دلار آمریکا از میانگین سالانه نرخ ارز هر کشور در سال ۲۰۲۵ استفاده شده است. این میانگین‌ها از آمار رسمی نهادهای بین‌المللی (از جمله بانک جهانی و بانک‌های مرکزی) استخراج شده و بیانگر نرخ‌های اسمی برابری ارز در بازار طی سال مذکور هستند. بنابراین قیمت‌های خرده‌فروشی اقلام مصرفی، بهداشتی، شوینده، انرژی و خدمات پایه بر اساس نرخ ارز بازار به دلار آمریکا تبدیل شده‌اند. هدف از این تبدیل، ایجاد امکان مقایسه مستقیم سطح قیمت‌ها در کشورهای منتخب است. در این روش، قیمت هر قلم به ارز محلی کشور بر میانگین نرخ دلار در همان کشور تقسیم می‌شود و نتیجه، قیمت دلاری کالا یا خدمت مورد نظر را نشان می‌دهد.

در مورد ایران، با توجه به وجود نظام چندنرخ ارز، تبدیل قیمت‌های ریالی به دلار در این مطالعه بر مبنای برآورد میانگین نرخ ارز بازار آزاد در سال ۲۰۲۵ انجام شده است؛ زیرا این نرخ بیشترین ارتباط را با رفتار واقعی قیمت‌گذاری در بازار خرده‌فروشی و تصمیمات مصرف‌کنندگان دارد و از این رو برای تحلیل مقایسه‌ای سطح قیمت‌ها مناسب‌تر ارزیابی می‌شود. با این حال، نتایج حاصل از تبدیل قیمت‌ها بر اساس نرخ ارز آزاد باید با احتیاط تفسیر شود؛ زیرا وجود نرخ‌های ترجیحی و حمایتی برای بخشی از کالاهای اساسی، نهادهای وارداتی

^{۲۴} Foreign Exchange Rate

و برخی فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود قیمت دلاری مشاهده شده لزوماً بازتاب‌دهنده هزینه واقعی تولید، بهره‌وری یا مزیت رقابتی اقتصاد ایران نباشد.

در نتیجه، پایین بودن قیمت دلاری برخی کالاها، به‌ویژه حامل‌های انرژی و اقلامی که از حمایت‌های مستقیم یا غیرمستقیم برخوردارند، بیش از آنکه ناشی از مزیت ساختاری و پایدار اقتصادی باشد، بازتاب سیاست‌های یارانه‌ای، تخصیص ارزی و مداخلات قیمتی است. در مقابل، قیمت دلاری برخی کالاهای خوراکی و صنعتی نیز تحت تأثیر تورم داخلی، افزایش هزینه نهاده‌ها و نوسانات ارزی، در سطوحی قرار گرفته است که در مواردی با کشورهای منطقه و حتی برخی اقتصادهای توسعه‌یافته قابل مقایسه است.

میانگین قیمت دلار در سال ۲۰۲۵ که برای تبدیل قیمت‌ها در این گزارش استفاده شده است به شرح زیر می‌باشد:^{۲۵}

جدول ۵- میانگین نرخ دلار در سال ۲۰۲۵ در کشورهای منتخب بر اساس منابع بین‌المللی

کشور	ارز محلی	میانگین نرخ ۱ دلار در سال ۲۰۲۵ ^{۲۶}
ایران	IRR	۹۰۰,۰۰۰
عراق	IQD	۱,۳۰۹
پاکستان	PKR	۲۷۸
ترکیه	TRY	۳۹
هند	INR	۸۵,۵
چین	CNY	۷,۲
ایتالیا	EUR	۰,۹۲

قیمت اقلام بر حسب قیمت واقعی ارز (دلار) از طریق فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{قیمت به ارز محلی کشور} = \frac{\text{قیمت به ارز محلی کشور}}{\text{قیمت دلار در همان کشور}} \times \text{قیمت بر حسب دلار واقعی}$$

^{۲۵} <https://www.federalreserve.gov/releases/g%a/> - نرخ‌های استفاده شده نرخ‌های میانگین قابل اتکا برای تحلیل اقتصادی هستند.

^{۲۶} <https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.FCRF>

جدول ۶- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب قیمت واقعی ارز (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	اقلام	واحد	ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۱.۴۶	۱.۵۳	۰.۹۰	۲.۰۵	۰.۷۱	۰.۹۰	۲.۸۳
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۰.۵۶	۰.۸۰	۰.۶۵	۱.۰۳	۰.۵۱	۱.۵۶	۲.۲۸
۳	گوشت گاو	۱ کیلو	۹.۶۷	۱۲.۶۱	۷.۹۱	۱۹.۲۳	۵.۸۵	۱۰.۵۶	۱۹.۴۶
۴	گوشت مرغ	۱ کیلو	۱.۶۳	۴.۲۸	۲.۵۲	۳.۸۵	۳.۱۳	۳.۱۹	۱۱.۹۶
۵	تخم مرغ	۱۲ عدد	۰.۸۷	۱.۷۶	۱.۲۹	۲.۳۱	۰.۹۹	۱.۵۳	۴.۰۲
۶	شیر	۱ لیتر	۰.۶۸	۱.۱۸	۰.۷۹	۱.۱۵	۰.۷۱	۱.۶۷	۱.۵۲
۷	ماست	۱ کیلو	۰.۹۵	۱.۹۱	۰.۹۳	۱.۷۹	۱.۲۹	۳.۱۹	۳.۲۶
۸	پنیر	۵۰۰ گرم	۱.۲۵	۲.۳۵	۲.۱۶	۴.۴۹	۲.۵۹	۱۲.۳۶	۸.۱۵
۹	روغن نباتی	۱ لیتر	۱.۳۷	۲.۰۶	۱.۷۹	۲.۹۵	۲.۰۵	۲.۶۴	۳.۸۰
۱۰	شکر	۱ کیلو	۰.۷۸	۰.۹۶	۰.۶۵	۱.۲۱	۰.۶۲	۱.۳۹	۲.۱۷
۱۱	قند	۱ کیلو	۱.۰۴	۱.۱۱	۰.۷۲	۱.۲۱	۰.۶۸	۱.۶۷	۲.۶۱
۱۲	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱ کیلو	۴.۶۴	۱.۶۸	۱.۸۰	۲.۵۶	۱.۸۱	۱.۹۴	۳.۸۰
۱۳	چای خارجی	۵۰۰ گرم	۵.۹۹	۲.۸۶	۷.۱۹	۶.۷۳	۴.۶۸	۴۱.۶۷	۱۳.۵۹
۱۴	ماکارانی	۵۰۰ گرم	۰.۳۵	۰.۵۷	۰.۴۹	۰.۵۱	۰.۶۴	۰.۹۷	۴.۶۷
۱۵	سبزی و صیفی جات (گوجه فرنگی)	۱ کیلو	۰.۴۷	۰.۶۸	۰.۵۴	۰.۹۰	۰.۵۵	۱.۱۹	۳.۱۵
۱۶	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱ کیلو	۱.۳۰	۱.۰۳	۱.۱۵	۱.۲۳	۲.۱۳	۱.۷۵	۲.۵۰
۱۷	نوشابه	۱.۵ لیتری	۰.۶۸	۰.۶۵	۰.۸۶	۰.۹۷	۱.۰۵	۱.۲۵	۴.۵۷
۱۸	برنج محلی	۱ کیلوگرم	۱.۸۷	۱.۶۳	۱.۲۴	۲.۳۰	۰.۷۱	۰.۹۰	۲.۸۵
۱۹	نان سنتی	۵۰۰ گرم یا یک عدد استاندارد	۰.۵۴	۰.۸۲	۰.۶۷	۰.۷۸	۰.۵۳	۱.۵۶	۲.۲۸
۲۰	گوشت گوسفند	۱ کیلوگرم	۸.۶۱	۱۷.۵۷	۷.۵۹	۱۰.۹۲	۵.۸۸	۹.۸۱	۲۰.۵۴
۲۱	ماهی	۱ کیلوگرم	۲.۳۳	۵.۳۵	۴.۳۲	۵.۳۸	۴.۰۹	۶.۹۴	۱۴.۱۳
۲۲	تن ماهی	قوطی ۱۸۰ گرم	۱.۱۱	۱.۹۱	۱.۸۰	۱.۹۲	۲.۱۱	۲.۰۸	۲.۷۲
۲۳	کره	۱۰۰ گرم	۰.۶۱	۱.۳۸	۰.۹۰	۱.۵۴	۰.۷۱	۱.۶۷	۱.۹۶



۲۴	عدس	۱ کیلوگرم	۲.۲۲	۱.۸۳	۱.۴۵	۲.۱۸	۱.۴۰	۲.۵۰	۳.۸۰
۲۵	نخود	۱ کیلوگرم	۱.۸۹	۱.۵۳	۰.۹۰	۱.۹۲	۱.۱۱	۲.۲۲	۳.۲۶
۲۶	لوبیا قرمز	۱ کیلوگرم	۲.۴۴	۱.۷۶	۱.۸۰	۲.۴۴	۱.۸۷	۱.۹۴	۳.۸۰
۲۷	سیبزمینی	۱ کیلوگرم	۰.۵۳	۰.۶۰	۰.۴۱	۰.۶۵	۰.۴۰	۰.۷۰	۱.۹۱
۲۸	پیاز	۱ کیلوگرم	۰.۵۲	۰.۶۵	۰.۵۴	۰.۴۸	۰.۴۴	۰.۸۴	۱.۸۲
۲۹	خیار	۱ کیلوگرم	۰.۶۱	۰.۶۹	۰.۴۳	۰.۷۲	۰.۵۳	۰.۹۷	۱.۹۶
۳۰	موز	۱ کیلوگرم	۱.۴۸	۱.۱۶	۰.۸۳	۲.۲۸	۰.۷۳	۱.۲۱	۲.۰۷
۳۱	رب گوجه‌فرنگی	قوطی ۸۰۰ گرم	۰.۸۹	۱.۱۵	۲.۳۴	۱.۲۸	۱.۷۵	۱.۱۱	۱.۷۴
۳۲	بیسکویت ساده	بسته ۲۰۰ تا ۲۵۰ گرم	۰.۳۹	۰.۵۷	۰.۷۲	۰.۷۷	۰.۵۳	۰.۸۳	۱.۶۳
۳۳	شامپو	بطری ۴۰۰ میلی‌لیتر	۵.۱۰	۲.۷۴	۸.۶۸	۳.۶۹	۳.۱۶	۵.۸۳	۳.۸۸
۳۴	خمیردندان	تیوب ۱۰۰ گرم	۰.۸۳	۱.۷۹	۲.۴۷	۲.۴۹	۰.۹۴	۲.۲۲	۲.۲۵
۳۵	صابون	۱۰۰ گرم	۰.۲۸	۰.۵۷	۰.۴۳	۰.۷۷	۰.۵۳	۰.۸۳	۱.۳۰
۳۶	دستمال کاغذی	بسته ۱۰۰ برگ	۱.۲۱	۱.۸۳	۳.۱۶	۱.۱۵	۲.۰۴	۱.۵۳	۲.۶۱
۳۷	پوشک بچه	بسته استاندارد	۵.۰۰	۶.۴۶	۴.۰۱	۸.۹۷	۴.۱۱	۷.۲۰	۹.۸۰
۳۸	پد بهداشتی بانوان	بسته استاندارد (۳۲ عددی)	۵.۴۰	۱.۱۵	۸.۶۳	۲.۶۲	۵.۷۴	۲.۵۰	۱۰.۸۷
۳۹	مایع ظرفشویی	۱ لیتر	۰.۵۶	۲.۷۵	۱.۲۰	۱.۶۷	۱.۲۳	۲.۱۷	۲.۹۳
۴۰	پودر/مایع لباسشویی	۱ کیلوگرم یا ۱ لیتر	۳.۸۲	۴.۱۷	۸.۰۰	۴.۷۴	۵.۵۲	۵.۱۴	۷.۶۱
۴۱	گاز خانگی	۱ مترمکعب	۰.۰۰۶	۰.۱۹	۰.۴۳	۰.۱۹	۰.۵۰	۰.۴۲	۱.۳۰
۴۲	بنزین	۱ لیتر	۰.۰۲	۰.۶۵	۱.۰۲	۱.۲۸	۱.۲۱	۱.۱۱	۱.۹۶
۴۳	برق خانگی	۱ کیلووات ساعت	۰.۰۰۶	۰.۰۵۷	۰.۱۸	۰.۰۸	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۳۳
۴۴	اینترنت	۱ گیگ	۰.۰۵۶	۰.۷۶	۰.۵۰	۰.۳۶	۰.۱۹	۰.۹۰	۱.۴۱

بر اساس نتایج جدول شماره ۶، تحلیل قیمت‌های دلاری مبتنی بر نرخ ارز بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که سطح قیمت اقلام مصرفی در کشورهای مختلف، صرفاً بازتاب تفاوت در بهره‌وری اقتصادی نیست؛ بلکه تحت تأثیر هم‌زمان ساختار اقتصادی، سطح درآمد، نرخ ارز، سیاست‌های یارانه‌ای، هزینه نهاده‌ها، نظام قیمت‌گذاری و شبکه توزیع قرار دارد.



در کشورهای با درآمد بالاتر مانند ایتالیا، سطح قیمت دلاری بسیاری از کالاها و خدمات مصرفی، به ویژه اقلام خوراکی، انرژی، خدمات و کالاهای فرآوری شده، در مقایسه با سایر کشورها بالاتر است. این وضعیت عمدتاً ناشی از هزینه بالاتر نیروی کار، سطح بالاتر مالیات‌ها، استانداردهای تولید و توزیع، هزینه‌های خدمات و ساختار بازار در اقتصادهای توسعه یافته است. با این حال، بالاتر بودن قیمت دلاری در این کشورها الزاماً به معنای فشار معیشتی بیشتر نیست؛ زیرا باید در کنار سطح درآمد و دستمزد خانوار نیز تحلیل شود.

در مقابل، کشورهایی مانند هند و پاکستان در بسیاری از اقلام خوراکی و مصرفی دارای سطح قیمت دلاری پایین‌تری هستند. این موضوع بیشتر ناشی از سطح پایین‌تر دستمزدها، هزینه تولید، سطح عمومی درآمد و ساختار قیمتی این اقتصادهاست و لزوماً بیانگر مزیت رقابتی فناورانه یا بهره‌وری بالاتر نیست. البته در برخی اقلام خاص، مانند بعضی کالاهای بهداشتی، شوینده یا اقلام وارداتی، قیمت دلاری این کشورها نیز می‌تواند به سطح بالاتری برسد؛ بنابراین الگوی قیمت‌ها در این کشورها نیز کاملاً یکنواخت نیست.

در چین، الگوی قیمت‌ها نسبتاً متعادل‌تر مشاهده می‌شود. این وضعیت حاصل ترکیب مقیاس گسترده تولید، مدیریت زنجیره تأمین، ظرفیت صنعتی بالا و کنترل نسبی هزینه‌های تولید و توزیع است. در نتیجه، چین در بسیاری از اقلام در موقعیتی میانی میان اقتصادهای کم‌درآمد و کشورهای توسعه یافته قرار می‌گیرد؛ نه به ارزان‌ی هند و پاکستان است و نه در سطح عمومی قیمت‌های ایتالیا قرار دارد.

در ترکیه، ساختار قیمت‌ها تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز، تورم داخلی و تغییرات هزینه تولید قرار دارد. به همین دلیل، قیمت دلاری برخی اقلام در این کشور به سطح کشورهای با درآمد بالاتر نزدیک شده است، در حالی که قدرت خرید داخلی الزاماً متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. این وضعیت نشان می‌دهد که در اقتصادهای دارای تورم و نوسان ارزی، قیمت دلاری کالاها ممکن است از سطح رفاه واقعی خانوار فاصله بگیرد. در مورد ایران، نتایج جدول نشان می‌دهد که تصویر قیمت‌ها در چارچوب نرخ ارز بازار ترکیبی از چند الگوی متفاوت است. از یک سو، در برخی اقلام خوراکی و خانوارمحور، مانند گوشت، برنج، حبوبات، چای، بخشی از لبنیات، برخی اقلام پروتئینی و تعدادی از کالاهای مصرفی و بهداشتی، ایران الزاماً در سطح پایین‌تری نسبت به کشورهای منتخب قرار ندارد. در برخی موارد، قیمت دلاری این اقلام به سطح کشورهای با درآمد متوسط یا حتی بالاتر نزدیک می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که مزیت قیمتی ایران در سبد کالاهای مصرفی یکنواخت نیست و در کالاهای وابسته به واردات، نهاده‌های جهانی، فرآوری، بسته‌بندی یا شبکه توزیع می‌تواند محدود یا حتی از بین رفته باشد.

از سوی دیگر، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه مانند بنزین، برق خانگی، گاز خانگی و تا حدی اینترنت در ایران به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از سطح قیمت در سایر کشورهای مورد بررسی قرار دارند. این شکاف قیمتی عمدتاً ناشی از سیاست‌های یارانه‌ای گسترده، قیمت‌گذاری اداری و مداخله دولت است و نمی‌توان آن را به‌عنوان مزیت رقابتی پایدار یا ناشی از بهره‌وری اقتصادی تفسیر کرد. این وضعیت از منظر سیاستی، هم موجب

پایین ماندن هزینه ظاهری انرژی برای خانوار و بنگاه می‌شود و هم می‌تواند به مصرف بالاتر انرژی، کاهش انگیزه بهره‌وری و شکل‌گیری مزیت‌های قیمتی مبتنی بر یارانه در برخی فعالیت‌ها منجر شود.

بررسی اقلام غیرخوراکی، بهداشتی و شوینده نیز نشان می‌دهد که فشار هزینه خانوار فقط محدود به مواد غذایی نیست. کالاهایی مانند شامپو، خمیردندان، دستمال کاغذی، پوشک بچه، پد بهداشتی، مایع ظرفشویی و شوینده لباس، بخشی از هزینه‌های تکرارشونده خانوار هستند و در برخی کشورها تفاوت‌های قابل توجهی در قیمت دلاری آن‌ها مشاهده می‌شود. بنابراین، برای تحلیل هزینه زندگی خانوار، تمرکز صرف بر خوراکی‌ها کافی نیست و باید کالاهای مصرفی غیرخوراکی نیز در کنار اقلام غذایی بررسی شوند.

به‌طور کلی، نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که ساختار قیمت دلاری در ایران دوگانه و نامتوازن است. در یک سو، انرژی و برخی خدمات پایه به دلیل یارانه و قیمت‌گذاری اداری بسیار ارزان‌تر از کشورهای منتخب هستند؛ اما در سوی دیگر، بخشی از خوراکی‌ها، کالاهای مصرفی روزمره و اقلام بهداشتی و شوینده، الزاماً ارزان‌تر از سایر کشورها نیستند و در برخی موارد به سطح قیمت کشورهای با درآمد بالاتر نزدیک شده‌اند.

با این حال، تحلیل مبتنی بر نرخ ارز بازار صرفاً قیمت اسمی کالاها را به دلار نشان می‌دهد و توان خرید واقعی خانوار را منعکس نمی‌کند. به همین دلیل، برای ارزیابی دقیق‌تر رفاه اقتصادی و فشار واقعی هزینه‌ها بر خانوار، لازم است نتایج این بخش با شاخص برابری قدرت خرید (PPP)^{۲۷} و همچنین نسبت قیمت کالاها به درآمد و دستمزد تکمیل شود. تنها در این صورت می‌توان تشخیص داد که هر کالا، نه فقط از نظر دلاری، بلکه از نظر فشار واقعی بر بودجه خانوار چه جایگاهی دارد.

۳-۴. تحلیل بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

در تکمیل تحلیل قیمت‌ها، در این بخش از رویکرد برابری قدرت خرید (PPP) استفاده می‌شود تا قیمت خرده‌فروشی کالاهای منتخب با در نظر گرفتن سطح عمومی قیمت‌ها و هزینه زندگی در کشورهای مختلف مقایسه گردد. بر اساس برآوردهای بانک جهانی، ضرایب برابری قدرت خرید نشان می‌دهند که چه مقدار از هر واحد پول داخلی معادل قدرت خرید یک «دلار بین‌المللی» است؛ این ضرایب به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اثر تفاوت سطح قیمت‌ها و هزینه زندگی میان کشورها را تعدیل کرده و امکان مقایسه واقع‌بینانه‌تر رفاه و قدرت خرید را فراهم کنند.

ضریب برابری قدرت خرید (PPP) مورد استفاده در این گزارش بر اساس آخرین داده‌های منتشرشده بانک جهانی برای شاخص PA.NUS.PRVT.PP (برابری قدرت خرید مصرف خصوصی) استخراج شده است. از آنجا

^{۲۷} Purchasing Power Parity



که برای برخی کشورها داده سال ۲۰۲۵ و برای برخی دیگر صرفاً داده سال ۲۰۲۴ در دسترس بوده، برای هر کشور آخرین سال موجود به کار گرفته شده است.

جدول ۷- میانگین ضریب برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴ در کشورهای منتخب بر اساس آمار بانک جهانی^{۲۸}

کشور	ارز محلی	نرخ هر یک دلار بین المللی (PPP) سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴
ایران	IRR	۱۵۷.۷۹ (۲۰۲۵)
عراق	IQD	۴۷۷.۸۰ (۲۰۲۴)
پاکستان	PKR	۶۵.۳۸ (۲۰۲۵)
ترکیه	TRY	۱۲.۵۵ (۲۰۲۴)
هند	INR	۱۹.۸۰ (۲۰۲۵)
چین	CNY	۳.۴۶ (۲۰۲۵)
ایتالیا	EUR	۰.۶۲ (۲۰۲۴)

قیمت اقلام بر حسب نرخ ضریب برابری قدرت خرید خانوار (PPP) از طریق فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{قیمت به ارز محلی کشور} = \frac{\text{قیمت بر حسب نرخ (PPP)}}{\text{نرخ دلار بین المللی (PPP) همان کشور}}$$

جدول ۸- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ضریب برابری قدرت خرید (PPP)

ردیف	اقلام	واحد	ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۸.۳۰	۴.۱۹	۳.۸۲	۶.۳۷	۳.۰۸	۱.۸۸	۴.۱۹
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۳.۱۷	۲.۲۰	۲.۷۵	۳.۱۹	۲.۲۲	۳.۲۴	۳.۳۹
۳	گوشت گاو	۱ کیلو	۵۵.۱۸	۳۴.۵۳	۳۳.۶۵	۵۹.۷۶	۲۵.۲۵	۲۱.۹۷	۲۸.۸۷
۴	گوشت مرغ	۱ کیلو	۹.۳۲	۱۱.۷۲	۱۰.۷۱	۱۱.۹۵	۱۳.۵۴	۶.۶۵	۱۷.۷۴
۵	تخم مرغ	۱۲ عدد	۴.۹۴	۴.۸۱	۵.۵۱	۷.۱۷	۴.۲۹	۳.۱۸	۵.۹۷
۶	شیر	۱ لیتر	۳.۸۶	۳.۲۴	۳.۳۶	۳.۵۹	۳.۰۸	۳.۴۷	۲.۲۶
۷	ماست	۱ کیلو	۵.۴۲	۵.۲۳	۳.۹۸	۵.۵۸	۵.۵۶	۶.۶۵	۴.۸۴

^{۲۸} <https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.PRVT.PP?locations=IR>

۱۲.۱۰	۲۵.۷۲	۱۱.۱۶	۱۳.۹۴	۹.۱۸	۶.۴۴	۷.۱۳	۵۰۰ گرم	پنیر	۸
۵.۶۵	۵.۴۹	۸.۸۴	۹.۱۶	۷.۶۵	۵.۶۵	۷.۸۳	۱ لیتر	روغن نباتی	۹
۳.۲۳	۲.۸۹	۲.۶۸	۳.۷۵	۲.۷۵	۲.۶۲	۴.۴۶	۱ کیلو	شکر	۱۰
۳.۸۷	۳.۴۷	۲.۹۳	۳.۷۵	۳.۰۶	۳.۰۳	۵.۹۳	۱ کیلو	قند	۱۱
۵.۶۵	۴.۰۵	۷.۸۳	۷.۹۷	۷.۶۵	۴.۶۰	۲۶.۴۷	۱ کیلو	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱۲
۲۰.۱۶	۸۶.۷۱	۲۰.۲۰	۲۰.۹۲	۳۰.۵۹	۷.۸۵	۳۴.۱۵	۵۰۰ گرم	چای خارجی	۱۳
۶.۹۴	۲.۰۲	۲.۷۸	۱.۵۹	۲.۰۶	۱.۵۷	۲.۰۲	۵۰۰ گرم	ماکارانی	۱۴
۴.۶۸	۲.۴۹	۲.۳۷	۲.۷۹	۲.۲۹	۱.۸۶	۲.۶۶	۱ کیلو	سبزی و صیفی جات (گوجه فرنگی)	۱۵
۳.۷۱	۳.۶۴	۹.۱۹	۳.۸۲	۴.۸۹	۲.۸۳	۷.۴۱	۱ کیلو	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱۶
۶.۷۷	۲.۶۰	۴.۵۵	۳.۰۳	۳.۶۷	۱.۷۸	۳.۸۶	۱.۵ لیتری	نوشابه	۱۷
۴.۲۳	۱.۸۸	۳.۰۸	۷.۱۳	۵.۲۸	۴.۴۷	۱۰.۶۷	۱ کیلوگرم	برنج محلی	۱۸
۳.۳۹	۳.۲۴	۲.۲۷	۲.۴۲	۲.۸۶	۲.۲۴	۳.۰۸	۵۰۰ گرم یا یک عدد استاندارد	نان سنتی	۱۹
۳۰.۴۸	۲۰.۴۰	۲۵.۴۰	۳۳.۹۴	۳۲.۲۶	۴۸.۱۴	۴۹.۱۲	۱ کیلوگرم	گوشت گوسفند	۲۰
۲۰.۹۷	۱۴.۴۵	۱۷.۶۸	۱۶.۷۳	۱۸.۳۵	۱۴.۶۵	۱۳.۳۱	۱ کیلوگرم	ماهی	۲۱
۴.۰۳	۴.۳۴	۹.۰۹	۵.۹۸	۷.۶۵	۵.۲۳	۶.۳۴	قوطی ۱۸۰ گرم	تن ماهی	۲۲
۲.۹۰	۳.۴۷	۳.۰۶	۴.۷۸	۳.۸۲	۳.۷۷	۳.۴۹	۱۰۰ گرم	کره	۲۳
۵.۶۵	۵.۲۰	۶.۰۶	۶.۷۷	۶.۱۸	۵.۰۲	۱۲.۶۸	۱ کیلوگرم	عدس	۲۴
۴.۸۴	۴.۶۲	۴.۸۰	۵.۹۸	۳.۸۲	۴.۱۹	۱۰.۷۷	۱ کیلوگرم	نخود	۲۵
۵.۶۵	۴.۰۵	۸.۰۸	۷.۵۷	۷.۶۵	۴.۸۱	۱۳.۹۴	۱ کیلوگرم	لوبیا قرمز	۲۶
۲.۸۴	۱.۴۵	۱.۷۲	۲.۰۳	۱.۷۳	۱.۶۵	۳.۰۲	۱ کیلوگرم	سیب زمینی	۲۷
۲.۶۹	۱.۷۵	۱.۹۱	۱.۵۰	۲.۳۱	۱.۷۹	۲.۹۷	۱ کیلوگرم	پیاز	۲۸
۲.۹۰	۲.۰۲	۲.۲۷	۲.۲۳	۱.۸۴	۱.۸۸	۳.۴۹	۱ کیلوگرم	خیار	۲۹
۳.۰۶	۲.۵۲	۳.۱۳	۷.۰۹	۳.۵۵	۳.۱۸	۸.۴۴	۱ کیلوگرم	موز	۳۰
۲.۵۸	۲.۳۱	۷.۵۸	۳.۹۸	۹.۹۴	۳.۱۴	۵.۰۷	قوطی ۸۰۰ گرم	رب گوجه فرنگی	۳۱
۲.۴۲	۱.۷۳	۲.۲۷	۲.۳۹	۳.۰۶	۱.۵۷	۲.۲۲	بسته ۲۰۰ تا ۲۵۰ گرم	بیسکویت ساده	۳۲
۵.۷۶	۱۲.۱۴	۱۳.۶۴	۱۱.۴۷	۳۶.۹۲	۷.۵۰	۲۹.۰۸	بطری ۴۰۰ میلی لیتر	شامپو	۳۳



۳۴	خمیردندان	تیوب ۱۰۰ گرم	۴.۷۵	۴.۹۰	۱۰.۴۹	۷.۷۳	۴.۰۴	۴.۶۲	۳.۳۴
۳۵	صابون	۱۰۰ گرم	۱.۵۸	۱.۵۷	۱.۸۴	۲.۳۹	۲.۲۷	۱.۷۳	۱.۹۴
۳۶	دستمال کاغذی	بسته ۱۰۰ برگ	۶.۸۸	۵.۰۱	۱۳.۴۴	۳.۵۹	۸.۷۹	۳.۱۸	۳.۸۷
۳۷	پوشک بچه	بسته استاندارد	۲۸.۵۲	۱۷.۶۹	۱۷.۰۴	۲۷.۸۹	۱۷.۷۳	۱۴.۹۸	۱۴.۵۵
۳۸	پد بهداشتی بانوان	بسته استاندارد (۳۲ عددی)	۳۰.۷۸	۳.۱۴	۳۶.۶۹	۸.۱۳	۲۴.۸۰	۵.۲۰	۱۶.۱۳
۳۹	مایع ظرفشویی	۱ لیتر	۳.۱۷	۷.۵۳	۵.۱۱	۵.۱۸	۵.۳۰	۴.۵۱	۴.۳۵
۴۰	پودر مایع لباسشویی	۱ کیلوگرم یا ۱ لیتر	۲۱.۸۰	۱۱.۴۲	۳۴.۰۳	۱۴.۷۴	۲۳.۸۴	۱۰.۶۹	۱۱.۲۹
۴۱	گاز خانگی	۱ مترمکعب	۰.۰۳	۰.۵۲	۱.۸۴	۰.۶۱	۲.۱۷	۰.۸۷	۱.۹۴
۴۲	بنزین	۱ لیتر	۰.۱۰	۱.۷۸	۴.۳۶	۳.۹۸	۵.۲۰	۲.۳۱	۲.۹۰
۴۳	برق خانگی	۱ کیلووات ساعت	۰.۰۳	۰.۱۶	۰.۷۶	۰.۲۴	۰.۴۰	۰.۱۷	۰.۴۸
۴۴	اینترنت	۱ گیگ	۰.۳۲	۲.۰۹	۲.۱۴	۱.۱۲	۰.۹۱	۱.۸۸	۲.۱۰

بر اساس جدول شماره ۸، که قیمت ۴۴ قلم کالای مصرفی، اقلام بهداشتی و شوینده، حامل‌های انرژی و خدمات پایه را به «دلار بین‌المللی» و بر مبنای ضریب برابری قدرت خرید مصرف خصوصی نشان می‌دهد، می‌توان تصویر دقیق‌تری از جایگاه هر قلم در ساختار هزینه خانوار در ایران و شش کشور منتخب شامل عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا به دست آورد. این جدول نشان می‌دهد که حتی پس از تعدیل قیمت‌ها بر اساس برابری قدرت خرید (PPP)، یعنی پس از در نظر گرفتن تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها میان کشورها، برخی اقلام خوراکی، کالاهای مصرفی روزمره و اقلام بهداشتی در ایران همچنان در سطح قیمتی بالاتری نسبت به کشورهای منتخب قرار دارند؛ در حالی که حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه در ایران، به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای، به‌طور معناداری ارزان‌تر از سایر کشورها هستند. بنابراین، جدول ۸ نه تنها تفاوت قیمت کالاها را نشان می‌دهد، بلکه ناهمگونی ساختار قیمت نسبی در ایران را نیز آشکار می‌کند؛ ساختاری که در آن بخشی از اقلام ضروری خانوار گران و بخشی از اقلام سیاستی و یارانه‌ای بسیار ارزان باقی مانده‌اند.

سطح بالاتر قیمت ایران در برخی اقلام



نتایج جدول نشان می‌دهد که در بخشی از اقلام خوراکی و مصرفی، سطح قیمت بر مبنای برابری قدرت خرید در ایران بالاتر از بسیاری از کشورهای مورد مقایسه است. این وضعیت به‌ویژه در برخی حبوبات، برنج، چای خارجی، گوشت، بخشی از اقلام پروتئینی و تعدادی از کالاهای مصرفی خانوار مشاهده می‌شود. به بیان دیگر، حتی پس از تعدیل قیمت‌ها بر اساس سطح عمومی قیمت‌ها در کشورها، برخی کالاها در سبد مصرف خانوار ایرانی همچنان وزن قیمتی بالاتری دارند.

برای مثال، قیمت حبوبات، به‌ویژه لوبیا چیتی، در ایران حدود ۲۶.۴۷ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلوگرم است؛ در حالی که این رقم در عراق ۴.۶۰، پاکستان ۷.۶۵، ترکیه ۷.۹۷، هند ۷.۸۳، چین ۴.۰۵ و ایتالیا ۵.۶۵ دلار بین‌المللی گزارش شده است. این اختلاف نشان می‌دهد که لوبیا چیتی در ایران، پس از تعدیل بر اساس قدرت خرید، چندین برابر گران‌تر از کشورهای منتخب است و در ساختار هزینه خانوار ایرانی سهم قیمتی بسیار بالاتری دارد.

در مورد برنج نیز سطح قیمت ایران بالاتر از بیشتر کشورهای مورد بررسی است. قیمت برنج خارجی درجه یک در ایران حدود ۸.۳۰ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلوگرم است؛ در حالی که این رقم در عراق و ایتالیا حدود ۴.۱۹، در پاکستان ۳.۸۲، در هند ۳.۰۸ و در چین ۱.۸۸ است. همچنین برنج محلی در ایران حدود ۱۰.۶۷ دلار بین‌المللی برآورد شده که از سطح قیمت برنج در بیشتر کشورهای منتخب بالاتر است. این موضوع نشان می‌دهد که فشار قیمت برنج در ایران فقط به برنج وارداتی محدود نیست و در برنج داخلی یا محلی نیز قابل مشاهده است.

در مورد چای خارجی نیز قیمت ایران حدود ۳۴.۱۵ دلار بین‌المللی برای ۵۰۰ گرم است. این رقم در عراق ۷.۸۵، ترکیه ۲۰.۹۲ و ایتالیا ۲۰.۱۶ دلار بین‌المللی است. بنابراین، چای خارجی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای منتخب در سطح بالاتری قرار دارد؛ هرچند در مقایسه با چین، به دلیل قیمت بسیار بالای ثبت‌شده برای چای خارجی در این کشور، ایران پایین‌تر است.

افزون بر این، اقلام دیگر سبد مصرفی نیز همین الگو را تأیید می‌کنند. برای نمونه، قیمت عدس در ایران حدود ۱۲.۶۸، نخود ۱۰.۷۷ و لوبیا قرمز ۱۳.۹۴ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلوگرم است که در مقایسه با اغلب کشورهای منتخب سطح بالاتری دارد. همچنین در برخی اقلام مصرفی غیرخوراکی مانند پوشک بچه، پد بهداشتی بانوان، شامپو و پودر یا مایع لباسشویی، قیمت بر مبنای قدرت خرید در ایران نسبت به بخشی از کشورهای منتخب بالاتر است و نشان می‌دهد فشار هزینه خانوار صرفاً به خوراکی‌ها محدود نمی‌شود.

به‌طور کلی، جدول ۸ نشان می‌دهد که در بخشی از کالاهای خوراکی و مصرفی، به‌ویژه اقلام وابسته به واردات، نهاده‌های تولید، بازارهای جهانی، فرآوری یا شبکه توزیع، سطح قیمت نسبی در ایران بالاتر از بسیاری از کشورهای مورد بررسی است. این موضوع نشان می‌دهد که بخشی از فشار معیشتی خانوار ایرانی از بالا بودن



قیمت نسبی کالاهای ضروری و تکرارشونده در سبد مصرفی ناشی می‌شود، نه صرفاً از نوسانات نرخ ارز یا تفاوت ظاهری قیمت‌های اسمی.

اقلام ارزان یا میان‌رده در ایران (به ویژه انرژی و برخی خدمات)

در مقابل اقلامی که سطح قیمت نسبی بالاتری دارند، جدول ۸ نشان می‌دهد که حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه، حتی پس از تعدیل بر اساس برابری قدرت خرید، در ایران به‌طور معناداری ارزان‌تر از کشورهای منتخب هستند. قیمت بنزین در ایران حدود ۰.۱۰ دلار بین‌المللی به ازای هر لیتر است؛ در حالی که این رقم در عراق ۱.۷۸، پاکستان ۴.۳۶، ترکیه ۳.۹۸، هند ۵.۲۰، چین ۲.۳۱ و ایتالیا ۲.۹۰ دلار بین‌المللی گزارش شده است. این اختلاف نشان می‌دهد که قیمت بنزین در ایران، حتی با لحاظ تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها، چندین برابر پایین‌تر از کشورهای مورد مقایسه است و این وضعیت بیش از هر چیز بازتاب‌دهنده قیمت‌گذاری اداری و یارانه گسترده انرژی است.

الگوی مشابهی در برق و گاز خانگی نیز مشاهده می‌شود. قیمت برق خانگی در ایران حدود ۰.۰۳ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلووات‌ساعت است؛ در حالی که این رقم در پاکستان ۰.۷۶، ترکیه ۰.۲۴، هند ۰.۴۰ و ایتالیا ۰.۴۸ دلار بین‌المللی است. همچنین قیمت گاز خانگی در ایران حدود ۰.۰۳ دلار بین‌المللی به ازای هر مترمکعب است؛ در حالی که این رقم در عراق ۰.۵۲، پاکستان ۱.۸۴، ترکیه ۰.۶۱، هند ۲.۱۷، چین ۰.۸۷ و ایتالیا ۱.۹۴ گزارش شده است. بنابراین، سهم حامل‌های انرژی در هزینه خانوار ایرانی، از منظر PPP نیز به‌مراتب پایین‌تر از خانوارهای سایر کشورهای منتخب است.

در مورد اینترنت نیز ایران در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. قیمت یک گیگابایت اینترنت در ایران حدود ۰.۳۲ دلار بین‌المللی است؛ در حالی که این رقم در عراق ۲.۰۹، پاکستان ۲.۱۴، ترکیه ۱.۱۲، چین ۱.۸۸ و ایتالیا ۲.۱۰ دلار بین‌المللی است. تنها هند با رقم ۰.۹۱ به ایران نزدیک‌تر است، اما همچنان قیمت اینترنت در ایران پایین‌تر از هند نیز برآورد شده است.

در برخی کالاهای خوراکی فرآوری‌شده یا مصرفی نیز ایران در موقعیت پایین‌تر یا میان‌رده قرار دارد. برای نمونه، قیمت ماکارونی در ایران حدود ۲۰.۲ دلار بین‌المللی برای ۵۰۰ گرم است که تقریباً برابر چین و پایین‌تر از ایتالیا با ۶.۹۴ دلار بین‌المللی است. قیمت نوشابه نیز در ایران حدود ۳.۸۶ دلار بین‌المللی است که از ایتالیا با ۶.۷۷ پایین‌تر بوده، اما از عراق، چین و ترکیه بالاتر است. همچنین قیمت بیسکویت ساده در ایران حدود ۲.۲۲ دلار بین‌المللی است که در مقایسه با برخی کشورها در سطح میانی قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی، جدول ۸ نشان می‌دهد که ارزان بودن برخی اقلام در ایران عمدتاً در حوزه انرژی، خدمات پایه و بخشی از کالاهای فرآوری‌شده مشاهده می‌شود. این ارزانی، به‌ویژه در مورد انرژی، بیشتر ناشی از سیاست‌های حمایتی و قیمت‌گذاری اداری است و نباید به‌عنوان نشانه ارزان بودن کلی هزینه زندگی خانوار تفسیر شود؛



زیرا هم‌زمان، بخشی از اقلام خوراکی و مصرفی ضروری در ایران سطح قیمت نسبی بالاتری نسبت به کشورهای منتخب دارند.

تفاوت ساختاری در ترکیب قیمت‌ها

برآیند جدول نشان می‌دهد که ساختار قیمت نسبی در ایران، حتی از منظر برابری قدرت خرید، دوگانه و نامتوازن است. از یک سو، بخشی از کالاهای خوراکی و مصرفی خانوار، مانند حبوبات، برنج، چای، برخی اقلام پروتئینی، کالاهای بهداشتی و شوینده، برای خانوار ایرانی در سطح قیمتی بالاتری نسبت به بسیاری از کشورهای منتخب قرار دارند. از سوی دیگر، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه، از جمله بنزین، برق، گاز خانگی و اینترنت، در ایران به‌طور معناداری ارزان‌تر از سایر کشورها هستند.

برای مثال، قیمت لوبیا چیتی بر مبنای PPP در ایران حدود ۲۶.۴۷ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلوگرم است، در حالی که این رقم در ایتالیا ۵.۶۵، در عراق ۴.۶۰ و در چین ۴.۰۵ دلار بین‌المللی است. این فاصله نشان می‌دهد که این قلم در ساختار هزینه خانوار ایرانی، وزن قیمتی بسیار بالاتری نسبت به کشورهای مورد مقایسه دارد. در مقابل، قیمت بنزین و برق در ایران چندین برابر پایین‌تر از کشورهای منتخب است و سهم سبک‌تری در سبد هزینه خانوار دارد.

این الگو نشان‌دهنده نوعی عدم تعادل در ساختار نسبی قیمت‌هاست؛ به‌گونه‌ای که یارانه گسترده انرژی و قیمت‌گذاری اداری موجب پایین باقی ماندن سطح قیمت حامل‌های انرژی شده، در حالی که بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای واردات‌محور، نهاده‌بر، فرآوری‌شده و برخی اقلام مصرفی روزمره، در سطح قیمتی بالاتری نسبت به کشورهای مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

به‌طور کلی، نتایج تحلیل مبتنی بر برابری قدرت خرید نشان می‌دهد که تفاوت قیمت کالاها میان ایران و کشورهای منتخب صرفاً ناشی از نوسانات نرخ ارز بازار نیست؛ بلکه بخشی از این تفاوت‌ها حتی پس از تعدیل سطح عمومی قیمت‌ها نیز باقی می‌ماند. این موضوع بیانگر ناهمگونی در ساختار نسبی قیمت‌ها، اثر سیاست‌های یارانه‌ای، شرایط بازار داخلی، وابستگی برخی کالاها به نهاده‌ها و بازارهای جهانی، و نقش شبکه تولید، فرآوری و توزیع در شکل‌گیری قیمت نهایی برای خانوار است.



۴-۴. جمع بندی تطبیقی رویکردهای (FX) و (PPP)

مقایسه نتایج حاصل از دو رویکرد نرخ ارز بازار (FX) و برابری قدرت خرید (PPP) نشان می‌دهد که ارزیابی سطح قیمت کالاها در کشورهای مختلف، به شدت به نوع شاخص مورد استفاده وابسته است. روش FX قیمت کالاها را از منظر ارزش دلاری و امکان مقایسه مستقیم میان کشورها بررسی می‌کند؛ در حالی که روش PPP با تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها، تصویری نزدیک‌تر از جایگاه هر کالا در ساختار هزینه زندگی و قدرت خرید داخلی خانوار ارائه می‌دهد.

در تحلیل مبتنی بر FX، بخشی از کالاهای مصرفی در ایران، به‌ویژه برخی اقلام خوراکی، واردات‌محور، نهاده‌بر و کالاهای مصرفی خانوار، در مقایسه با کشورهای منطقه و سایر اقتصادهای در حال توسعه لزوماً ارزان‌تر ظاهر نمی‌شوند و در مواردی قیمت دلاری آن‌ها به سطح کشورهای با درآمد بالاتر نزدیک می‌شود. در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه مانند بنزین، برق، گاز خانگی و تا حدی اینترنت، به دلیل سیاست‌های یارانه‌ای و قیمت‌گذاری اداری، اختلاف چشمگیری با سایر کشورها دارند و از منظر دلاری در پایین‌ترین سطوح قرار می‌گیرند. این وضعیت نشان می‌دهد که مزیت قیمتی ایران در حوزه انرژی بیش از آن که ناشی از بهره‌وری یا مزیت طبیعی بازار باشد، نتیجه مداخلات قیمتی و حمایت‌های یارانه‌ای است و به‌سختی می‌توان آن را به‌عنوان یک مزیت رقابتی پایدار تلقی کرد.

نتایج حاصل از رویکرد PPP تصویر عمیق‌تری از ساختار نسبی قیمت‌ها ارائه می‌کند. برخلاف تصویری که تفاوت‌های قیمتی را صرفاً به نرخ ارز نسبت می‌دهد، مشاهده می‌شود که حتی پس از تعدیل اثر تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها نیز برخی اقلام خوراکی و مصرفی، به‌ویژه کالاهای وابسته به بازارهای جهانی یا نهاده‌های وارداتی مانند برنج خارجی، چای، بخشی از حبوبات، برخی اقلام پروتئینی و تعدادی از کالاهای بهداشتی و شوینده، در ایران در سطح قیمتی بالاتری نسبت به بسیاری از کشورهای مورد بررسی قرار دارند. در مقابل، حامل‌های انرژی و بخشی از خدمات پایه همچنان در سطوح بسیار پایین باقی می‌مانند.

این هم‌زمانی «بخشی از اقلام ضروری نسبتاً گران» و «انرژی بسیار ارزان» نشان می‌دهد که دوگانگی ساختار قیمت‌ها در اقتصاد ایران صرفاً محصول نوسانات نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی نیست. این دوگانگی ریشه در شیوه سیاست‌گذاری قیمتی، نظام یارانه‌ای، درجه وابستگی کالاها به نهاده‌ها و بازارهای جهانی، ساختار تولید و فرآوری، شبکه توزیع و تفاوت سازوکار شکل‌گیری قیمت‌ها دارد.

بر این اساس، نتیجه اصلی مقایسه FX و PPP آن است که نمی‌توان درباره ارزان یا گران بودن هزینه زندگی در ایران بر اساس یک شاخص واحد قضاوت کرد. از منظر دلاری، برخی اقلام به دلیل نرخ ارز، یارانه یا قیمت‌گذاری اداری ارزان به نظر می‌رسند؛ اما از منظر قدرت خرید، بخشی از کالاهای خوراکی، مصرفی و بهداشتی همچنان فشار قابل توجهی بر خانوار وارد می‌کنند. بنابراین، تحلیل سیاستی قیمت‌ها باید هم‌زمان به



سطح دلاری قیمت، قدرت خرید داخلی، منشأ شکل‌گیری قیمت و نقش مداخله دولت در هر گروه کالایی توجه کند.

۵- مقایسه عمده فروشی کالاهای فله‌ای

۵-۱. تعریف و سبد کالاهای فله‌ای

در تحلیل رفتار قیمتی کالاهای مصرفی، تفکیک میان سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی اهمیت اساسی دارد. خرده‌فروشی به معنای فروش مستقیم کالا به مصرف‌کننده نهایی و در مقادیر کوچک است؛ در حالی که عمده‌فروشی به فروش کالا در مقیاس‌های بزرگ، عمدتاً به واحدهای خرده‌فروشی، واحدهای خدمات غذایی، صنایع مصرف‌کننده مواد اولیه و سایر بنگاه‌ها اشاره دارد.

در سطح عمده‌فروشی، کالاها غالباً به صورت فله‌ای، نیمه‌فرآوری شده یا بدون بسته‌بندی نهایی عرضه می‌شوند و قیمت‌ها بیش از آن که تحت تأثیر عوامل بازاریابی، بسته‌بندی نهایی و عرضه در قفسه خرده‌فروشی باشند، بازتاب‌دهنده هزینه‌های تولید، واردات، نهاده‌ها، حمل‌ونقل، انبارداری و حاشیه سود واسطه‌های اولیه هستند^{۲۹}. سبد عمده‌فروشی و فله‌ای مورد بررسی در این گزارش به گونه‌ای انتخاب شده است که حلقه‌های اصلی اثرگذار بر قیمت کالاهای مصرفی خانوار را پوشش دهد. این سبد شامل گروه‌های زیر است:

- غلات و مواد پایه غذایی: گندم، آرد گندم، برنج وارداتی و برنج داخلی یا محلی فله؛
- نهاده‌های تولید پروتئین حیوانی: ذرت دامی و کنجاله سویا؛
- مواد اولیه صنایع غذایی: شکر سفید فله و روغن خام نباتی؛
- حبوبات پرمصرف: عدس، لوبیا چیتی، نخود و لوبیا قرمز؛
- کالاهای دام، لبنیات و شیلات: دام زنده یا لاشه گوشت گاو، دام زنده یا لاشه گوشت گوسفند، شیر خام، کره فله و ماهی عمده‌فروشی؛
- میوه، سبزی و صیفی‌جات عمده‌فروشی: سیب‌زمینی، پیاز، خیار، موز و گوجه‌فرنگی؛
- کالاهای فرآوری شده و نیمه‌فرآوری شده: رب گوجه‌فرنگی فله و بیسکویت ساده عمده یا کارتنی؛
- مواد اولیه یا کالاهای وارداتی فله: چای وارداتی فله.

تمرکز بر این سبد امکان می‌دهد منشأ بخشی از فشار قیمتی مشاهده‌شده در بازار خرده‌فروشی شناسایی شود و مشخص گردد که گرانی نسبی کالاها در ایران تا چه اندازه از حلقه‌های اولیه زنجیره تأمین، شامل تولید،

^{۲۹} <https://omdeforoshan.com/blog/education/what-wholesale-compare-retail/>

واردات، نهاده‌ها و عمده‌فروشی، آغاز می‌شود و تا چه اندازه در مراحل بعدی، یعنی فرآوری، بسته‌بندی، توزیع و خرده‌فروشی، شکل می‌گیرد.

در تفسیر این جدول باید توجه داشت که همه اقلام عمده‌فروشی ماهیت یکسان ندارند. برخی اقلام، مانند گندم، برنج وارداتی، روغن خام، شکر، ذرت دامی و کنجاله سویا، بیشتر با بازارهای جهانی، نرخ ارز، سیاست‌های تجاری و هزینه واردات مرتبط هستند. برخی دیگر، مانند دام، شیر خام، حبوبات، ماهی و تره‌بار، بیشتر از ساختار تولید داخلی، بهره‌وری، هزینه نهاده، شرایط اقلیمی، فصل برداشت، انبارداری و شبکه توزیع اثر می‌پذیرند. همچنین در اقلامی مانند رب گوجه‌فرنگی و بیسکویت، قیمت عمده‌فروشی علاوه بر ماده اولیه، بازتاب‌دهنده هزینه فرآوری، بسته‌بندی و تولید صنعتی نیز هست.

با توجه به تفاوت کیفیت، منشأ تولید، زمان معامله و شرایط عرضه در بازار عمده‌فروشی، برای کالاهای دارای تنوع کیفی، قیمت نماینده بر اساس میانگین وزنی یا میانگین بازه‌های قیمتی رایج بازار انتخاب شده است. در مورد کالاهای دارای بازار جهانی، مانند غلات، روغن، شکر و نهاده‌های دامی، از قیمت‌های مرجع جهانی و داده‌های تجاری استفاده شده و در مورد کالاهای دارای تنوع کیفی یا منطقه‌ای، مانند حبوبات، چای، دام، تره‌بار و کالاهای فرآوری‌شده، قیمت کالاهای استاندارد یا میانگین قیمت عمده بازار مبنای مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۹- قیمت عمده‌فروشی اقلام کالاهای منتخب در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	اقلام	واحد	ایران (ریال - IRR ^{۲۰})	عراق (دینار - IQD ^{۲۲})	پاکستان (روپیه - PKR ^{۲۳})	ترکیه (لیر - TRY ^{۲۴})	هند (روپیه - INR ^{۲۵})	چین (یوان - CNY ^{۲۶})	ایتالیا (یورو - EUR)
۱	گندم معمولی	۱ تن	۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۵۵۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۲,۶۰۰	۲۷۰
۲	آرد گندم فله	۱ تن	۲۷۵,۰۰۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	۱۸,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۳,۴۰۰	۴۵۰
۳	برنج وارداتی فله	۱ تن	۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۴,۵۰۰	۷۰۰

^{۲۰} <https://iran-grains.com/?p=۱۴۹۳۸>

^{۲۱} با توجه به ساختار تنظیم بازار و مداخلات دولتی در برخی کالاهای اساسی، قیمت‌های عمده‌فروشی گزارش شده برای ایران بسته به ماهیت هر کالا از منابع رسمی شامل نرخ‌های تضمینی، قیمت‌های سامانه‌های تنظیم بازار و قیمت‌های بازار عمده استخراج شده است.

^{۲۲} <https://mot.gov.iq>

^{۲۳} <https://agri-crop.com/prices-snapshot-december-۱۵-۲۰۲۵>

^{۲۴} <https://www.tuik.gov.tr>

^{۲۵} <https://cacp.dac.gov.in>

^{۲۶} <https://www.stats.gov.cn/?utm>

۲۶۰	۲,۴۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰	۴۵۰,۰۰۰	۳۷۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	ذرت دامی	۴
۴۵۰	۳,۵۰۰	۴۵,۰۰۰	۲۲,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰	۸۰۰,۰۰۰	۷۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۳۸	۱ تن	کنجاله سویا	۵
۶۵۰	۶,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۶۵۰,۰۰۰	۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	شکر سفید فله	۶
۱,۱۰۰	۹,۰۰۰	۱۱۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۹۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	روغن خام نباتی (آفتابگردان یا پالم)	۷
۱,۵۰۰	۷,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	عدس فله	۸
۱,۸۰۰	۶,۵۰۰	۸۵,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۱۹۰,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰	۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	لوبیا چیتی فله	۹
۱,۳۰۰	۶,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۱۶۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰	۱,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	نخود فله	۱۰
۷,۰۰۰	۶۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	چای وارداتی فله	۱۱
۷۰۵	۴,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۳۹,۰۰۰	۱۲۴,۰۰۰	۸۵۴,۰۰۰	۹۶۳,۴۹۶,۰۰۰	۱ تن	برنج داخلی / محلی فله	۱۲
۱۳,۰۰۰	۵۳,۰۰۰	۳۵۰,۰۰۰	۵۲۵,۰۰۰	۱,۵۴۰,۰۰۰	۱۱,۵۵۰,۰۰۰	۶,۰۹۴,۵۷۰,۰۰۰	۱ تن	دام زنده یا لاشه گوشت گاو	۱۳
۱۳,۰۰۰	۴۹,۰۰۰	۳۵۲,۰۰۰	۲۹۸,۰۰۰	۱,۴۷۶,۰۰۰	۱۶,۱۰۰,۰۰۰	۵,۴۲۵,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	دام زنده یا لاشه گوشت گوسفند	۱۴
۹,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۲۴۵,۰۰۰	۱۴۷,۰۰۰	۸۴۰,۰۰۰	۴,۹۰۰,۰۰۰	۱,۴۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	ماهی عمده فروشی	۱۵
۷۷۰	۷,۰۰۰	۳۴,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۲۱,۰۰۰	۸۵۳,۰۰۰	۳۳۴,۶۳۳,۰۰۰	۱ تن	شیر خام	۱۶
۱۲,۰۰۰	۷۸,۰۰۰	۳۹۳,۰۰۰	۳۹۰,۰۰۰	۱,۶۲۵,۰۰۰	۱۱,۷۰۰,۰۰۰	۳,۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	کره فله / عمده	۱۷
۲,۰۰۰	۶,۰۰۰	۸۸,۰۰۰	۴۸,۰۰۰	۱۹۰,۰۰۰	۱,۵۶۸,۰۰۰	۱,۲۹۰,۵۹۱,۰۰۰	۱ تن	لوبیا قرمز فله	۱۸
۱,۰۰۰	۳,۰۰۰	۲۲,۰۰۰	۱۷,۰۰۰	۷۳,۰۰۰	۵۱۴,۰۰۰	۳۱۰,۰۵۰,۰۰۰	۱ تن	سیب زمینی عمده فروشی	۱۹
۱,۰۰۰	۴,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۹۸,۰۰۰	۵۵۵,۰۰۰	۳۰۴,۲۰۰,۰۰۰	۱ تن	پیاز عمده فروشی	۲۰

^{۳۷} <https://vista.ir/n/foodpress/sti۰۰>

^{۳۸} <https://khabarfarsi.com/u/۲۳۹۹۶۰۱۸۷>

۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۲۹,۰۰۰	۱۸,۰۰۰	۷۸,۰۰۰	۵۸۵,۰۰۰	۳۵۷,۵۰۰,۰۰۰	۱ تن	خيار عمده‌فروشی	۲۱
۱,۰۰۰	۶,۰۰۰	۴۳,۰۰۰	۶۲,۰۰۰	۱۶۲,۰۰۰	۱,۰۶۳,۰۰۰	۹۳۲,۴۰۰,۰۰۰	۱ تن	موز عمده‌فروشی / وارداتی	۲۲
۲,۰۰۰	۶,۰۰۰	۳۱,۰۰۰	۲۳,۰۰۰	۹۸,۰۰۰	۵۷۸,۰۰۰	۲۷۲,۵۲۹,۰۰۰	۱ تن	گوجه‌فرنگی عمده‌فروشی	۲۳
۱,۰۰۰	۶,۰۰۰	۱۲۲,۰۰۰	۴۱,۰۰۰	۵۲۸,۰۰۰	۱,۲۱۹,۰۰۰	۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	رب گوجه‌فرنگی فله	۲۴
۴,۰۰۰	۱۶,۰۰۰	۱۱۷,۰۰۰	۷۸,۰۰۰	۵۲۰,۰۰۰	۱,۹۵۰,۰۰۰	۹۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ تن	بیسکویت ساده عمده / کارتنی	۲۵

بررسی قیمت‌های عمده‌فروشی ۲۵ قلم کالای منتخب در ایران و کشورهای مورد مطالعه شامل عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا نشان می‌دهد که بازار عمده‌فروشی فقط محدود به مواد اولیه خام نیست، بلکه مجموعه‌ای از نهاده‌های تولید، کالاهای فله‌ای، محصولات کشاورزی، اقلام دامی، کالاهای نیمه‌فرآوری شده و کالاهای عمده‌فروشی مرتبط با سبد مصرف خانوار را دربر می‌گیرد. در این جدول، قیمت‌ها به ارز محلی هر کشور گزارش شده‌اند و کارکرد اصلی آن، ثبت قیمت پایه در سطح عمده‌فروشی و فراهم کردن مبنای مقایسه دلاری در جدول ۱۰ است.

ترکیب اقلام جدول نشان می‌دهد که منشأ شکل‌گیری قیمت‌ها در همه کالاها یکسان نیست. در برخی اقلام مانند گندم، آرد، برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، شکر سفید، روغن خام نباتی و چای وارداتی، قیمت‌ها بیش از سایر اقلام تحت تأثیر بازارهای جهانی، نرخ ارز، هزینه حمل‌ونقل، سیاست‌های تجاری، تعرفه‌ها و شرایط واردات قرار دارند. بنابراین، هرگونه افزایش قیمت در این گروه می‌تواند از مرحله تأمین یا واردات آغاز شود و سپس به تولید، فرآوری، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی منتقل گردد.

در مقابل، در اقلامی مانند دام زنده یا لاشه گوشت گاو و گوسفند، شیر خام، ماهی، حبوبات، سیب‌زمینی، پیاز، خیار، موز و گوجه‌فرنگی، عوامل داخلی نقش پررنگ‌تری دارند. هزینه نهاده‌های تولید، بهره‌وری کشاورزی و دامداری، شرایط اقلیمی، فصل برداشت، هزینه نگهداری و انبارداری، شبکه حمل‌ونقل و ساختار توزیع می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در قیمت عمده‌فروشی این اقلام داشته باشند. از این رو، فشار قیمتی در این گروه الزاماً فقط به بازار جهانی یا نرخ ارز مربوط نیست و می‌تواند از ضعف‌های داخلی زنجیره تولید و توزیع نیز ناشی شود. همچنین وجود اقلامی مانند رب گوجه‌فرنگی فله، کره فله و بیسکویت ساده عمده یا کارتنی نشان می‌دهد که بخشی از قیمت عمده‌فروشی، حاصل ترکیب ماده اولیه، فرآوری، بسته‌بندی، هزینه تولید صنعتی و شبکه توزیع

است. این گروه از کالاها برای تحلیل فاصله میان قیمت ماده خام و قیمت نهایی مصرف‌کننده اهمیت دارد؛ زیرا می‌تواند نشان دهد چه بخشی از افزایش قیمت در مرحله فرآوری و چه بخشی در مرحله توزیع و خرده‌فروشی ایجاد می‌شود.

از سوی دیگر، مقایسه کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که مزیت قیمتی در بازار عمده‌فروشی صرفاً به سطح درآمد کشورها وابسته نیست، بلکه به بهره‌وری تولید، مقیاس اقتصادی، کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انبارداری، سیاست‌های کشاورزی و تجاری، میزان وابستگی به واردات و کارایی زنجیره تأمین بستگی دارد. کشورهایمانند هند و چین، به دلیل مقیاس بزرگ تولید و شبکه گسترده تأمین، در بسیاری از اقلام کشاورزی و غذایی امکان حفظ قیمت‌های رقابتی‌تری دارند. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایتالیا نیز با وجود سطح درآمد بالاتر، به واسطه بهره‌وری، زیرساخت‌های پیشرفته و نظام توزیع کارآمد، در برخی اقلام اختلاف قیمتی شدیدی با اقتصادهای در حال توسعه نشان نمی‌دهند.

بنابراین، نتایج این بخش نشان می‌دهد که تحلیل گرانی کالاهای مصرفی در ایران باید از سطح خرده‌فروشی فراتر رود و کل زنجیره ارزش، از تأمین مواد اولیه و واردات تا تولید، فرآوری، عمده‌فروشی، توزیع و عرضه نهایی، مورد بررسی قرار گیرد. بخشی از شکاف قیمتی ممکن است از مرحله تأمین و عمده‌فروشی آغاز شود و بخشی دیگر در مراحل بعدی، یعنی فرآوری، بسته‌بندی، توزیع و خرده‌فروشی، شکل بگیرد.

۲-۵. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX^{۳۹}) در سال ۲۰۲۵

در ادامه تحلیل قیمت‌های عمده‌فروشی، قیمت ۲۵ قلم کالای منتخب در کشورهای مورد بررسی بر اساس نرخ ارز بازار به دلار آمریکا تبدیل شده است. هدف از این تبدیل، فراهم کردن امکان مقایسه مستقیم قیمت کالاهای پایه، نهاده‌های تولید، مواد اولیه، کالاهای فله‌ای و اقلام عمده‌فروشی مرتبط با سبد مصرف خانوار در سطح بین‌المللی است. بر این اساس، می‌توان بررسی کرد که آیا کالاهای عمده‌فروشی و نهاده‌های اثرگذار بر قیمت مصرف‌کننده در ایران، از منظر ارزش دلاری، در مقایسه با کشورهای منتخب دارای مزیت قیمتی هستند یا خیر.

این تحلیل از آن جهت اهمیت دارد که قیمت‌های عمده‌فروشی، حلقه میانی میان تولید، واردات و بازار مصرف محسوب می‌شوند. در بسیاری از کالاها، بخشی از فشار قیمتی پیش از رسیدن کالا به سطح خرده‌فروشی شکل می‌گیرد؛ یعنی در مرحله تأمین نهاده، واردات، تولید، فرآوری، حمل‌ونقل یا عمده‌فروشی. بنابراین، مقایسه

^{۳۹} Foreign Exchange Rate



دلاری قیمت‌های عمده‌فروشی می‌تواند نشان دهد که تفاوت قیمت کالاها از کدام بخش زنجیره آغاز می‌شود و تا چه اندازه در مراحل بعدی، یعنی توزیع و خرده‌فروشی، تشدید می‌گردد.

اقدام جدول ۱۰ ماهیت یکسانی ندارند و همین موضوع در تفسیر نتایج اهمیت دارد. بخشی از اقلام، مانند گندم، آرد، برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، شکر، روغن خام و چای وارداتی، بیشتر تحت تأثیر بازارهای جهانی، نرخ ارز، هزینه واردات، سیاست‌های تجاری و مداخلات تنظیم بازار قرار دارند. در مقابل، اقلامی مانند دام، شیر خام، ماهی، حبوبات، سیب‌زمینی، پیاز، خیار و گوجه‌فرنگی بیشتر از شرایط تولید داخلی، هزینه نهاده‌ها، بهره‌وری، فصل تولید، انبارداری و شبکه توزیع اثر می‌پذیرند. همچنین کالاهایی مانند رب گوجه‌فرنگی، کره و بیسکویت عمده، علاوه بر ماده اولیه، هزینه فرآوری، بسته‌بندی و تولید صنعتی را نیز در خود منعکس می‌کنند.

در تفسیر نتایج این جدول باید توجه داشت که پایین‌تر بودن قیمت دلاری یک کالای عمده‌فروشی لزوماً به معنای مزیت پایدار تولیدی نیست؛ زیرا در برخی کشورها، از جمله ایران، قیمت نهاده‌ها و کالاهای اساسی ممکن است تحت تأثیر یارانه‌ها، نرخ‌های ترجیحی، خرید تضمینی، مداخلات تنظیم بازار یا سیاست‌های حمایتی قرار داشته باشد. از سوی دیگر، بالاتر بودن قیمت دلاری یک کالا نیز الزاماً فقط ناشی از ناکارآمدی داخلی نیست و ممکن است به کیفیت کالا، منشأ واردات، هزینه حمل‌ونقل، شرایط عرضه یا ساختار بازار مربوط باشد. از این‌رو، نتایج جدول ۱۰ باید در کنار ساختار سیاست‌گذاری، نظام ارزی، میزان وابستگی به واردات، وضعیت تولید داخلی، هزینه نهاده‌ها و کارایی زنجیره توزیع هر کشور تحلیل شود. این جدول مبنایی برای شناسایی منشأ فشار قیمتی در زنجیره تأمین فراهم می‌کند و زمینه لازم را برای تحلیل حاشیه قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در بخش بعدی گزارش به دست می‌دهد.

جدول ۱۰- قیمت عمده‌فروشی اقلام منتخب بر حسب دلار آمریکا به ازای هر تن بر مبنای نرخ ارز بازار، (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)^{۴۰}

ردیف	اقلام	واحد	ایران (ریال -) ۴۱ (IRR)	عراق (دینار -) ۴۲ (IQD)	پاکستان (روپیه -) ۴۴ (PKR)	ترکیه (لیر -) ۴۵ (TRY)	هند (روپیه -) ۴۶ (INR)	چین (یوان -) ۴۷ (CNY)	ایتالیا (یورو -) (EUR)
۱	گندم معمولی	۱ تن	۲۲۷.۷۸	۴۲۰.۱۷	۳۲۳.۷۴	۳۰۷.۶۹	۳۱۵.۷۹	۳۶۱.۱۱	۲۹۳.۴۸
۲	آرد گندم فله	۱ تن	۳۰۵.۵۶	۵۳۴.۷۶	۵۰۳.۶۰	۴۶۱.۵۴	۴۰۹.۳۶	۴۷۲.۲۲	۴۸۹.۱۳
۳	برنج وارداتی فله	۱ تن	۸۳۳.۳۳	۶۱۱.۱۵	۳۲۳.۷۴	۸۹۷.۴۴	۴۶۷.۸۴	۶۲۵.۰۰	۷۶۰.۸۷
۴	ذرت دامی	۱ تن	۵۵۵.۵۶	۳۴۳.۷۷	۲۸۷.۷۷	۲۵۶.۴۱	۲۹۲.۴۰	۳۳۳.۳۳	۲۸۲.۶۱
۵	کنجاله سویا	۱ تن	۸۷۷.۷۸	۶۱۱.۱۵	۶۴۷.۴۸	۵۶۴.۱۰	۵۲۶.۳۲	۴۸۶.۱۱	۴۸۹.۱۳
۶	شکر سفید فله	۱ تن	۵۰۰.۰۰	۴۹۶.۵۶	۵۳۹.۵۷	۶۴۱.۰۳	۴۶۷.۸۴	۸۳۳.۳۳	۷۰۶.۵۲
۷	روغن خام نباتی (آفتابگردان یا پالم)	۱ تن	۱,۰۳۳.۳۳	۹۱۶.۷۳	۱,۷۹۸.۵۶	۱,۱۵۳.۸۵	۱,۲۸۶.۵۵	۱,۲۵۰.۰۰	۱,۱۹۵.۶۵
۸	عدس فله	۱ تن	۱,۷۲۲.۲۲	۷۶۳.۹۴	۸۹۹.۲۸	۸۹۷.۴۴	۱,۰۵۲.۶۳	۹۷۲.۲۲	۱,۶۳۰.۴۳
۹	لوبیا چیتی فله	۱ تن	۲,۷۲۲.۲۲	۱,۱۴۵.۹۱	۶۸۳.۴۵	۱,۲۸۲.۰۵	۹۹۴.۱۵	۹۰۲.۷۸	۱,۹۵۶.۵۲
۱۰	نخود فله	۱ تن	۱,۵۰۰.۰۰	۶۸۷.۵۵	۵۷۵.۵۴	۱,۰۲۵.۶۴	۸۱۸.۷۱	۸۳۳.۳۳	۱,۴۱۳.۰۴
۱۱	چای وارداتی فله	۱ تن	۷,۷۷۷.۷۸	۳,۸۱۹.۷۱	۴,۳۱۶.۵۵	۳,۸۴۶.۱۵	۲,۹۲۳.۹۸	۸,۳۳۳.۳۳	۷,۶۰۸.۷۰
۱۲	برنج داخلی / محلی فله	۱ تن	۱,۰۷۰.۵۵	۶۵۲.۴۱	۴۴۶.۰۴	۱,۰۰۰.۰۰	۴۶۷.۸۴	۵۵۵.۵۶	۷۶۶.۳۰

^{۴۰} در این جدول از نرخ پایه محاسبه شده در جدول شماره ۶ استفاده شده است.

^{۴۱} <https://iran-grains.com/?p=۱۴۹۳۸>

^{۴۲} با توجه به ساختار تنظیم بازار و مداخلات دولتی در برخی کالاهای اساسی، قیمت‌های عمده‌فروشی گزارش شده برای ایران بسته به ماهیت هر کالا از منابع رسمی شامل نرخ‌های تضمینی، قیمت‌های سامانه‌های تنظیم بازار و قیمت‌های بازار عمده استخراج شده است.

^{۴۳} <https://mot.gov.iq>

^{۴۴} <https://agri-crop.com/prices-snapshot-december-۱۵-۲۰۲۵>

^{۴۵} <https://www.tuik.gov.tr>

^{۴۶} <https://cacp.dac.gov.in>

^{۴۷} <https://www.stats.gov.cn>

۱۴,۱۳۰.۴۳	۷,۳۶۱.۱۱	۴,۰۹۳.۵۷	۱۳,۴۶۱.۵۴	۵,۵۳۹.۵۷	۸,۸۲۳.۵۳	۶,۷۷۱.۷۴	۱ تن	دام زنده یا لاشه گوشت گاو	۱۳
۱۴,۱۳۰.۴۳	۶,۸۰۵.۵۶	۴,۱۱۶.۹۶	۷,۶۴۱.۰۳	۵,۳۰۹.۳۵	۱۲,۲۹۹.۴۷	۶,۰۲۷.۷۸	۱ تن	دام زنده یا لاشه گوشت گوسفند	۱۴
۹,۷۸۲.۶۱	۴,۸۶۱.۱۱	۲,۸۶۵.۵۰	۳,۷۶۹.۲۳	۳,۰۲۱.۵۸	۳,۷۴۳.۳۲	۱,۶۳۳.۳۳	۱ تن	ماهی عمده‌فروشی	۱۵
۸۳۶.۹۶	۹۷۲.۲۲	۳۹۷.۶۶	۶۴۱.۰۳	۴۳۵.۲۵	۶۵۱.۶۴	۳۷۱.۸۱	۱ تن	شیر خام	۱۶
۱۳,۰۴۳.۴۸	۱۰,۸۳۳.۳۳	۴,۵۹۶.۴۹	۱۰,۰۰۰.۰۰	۵,۸۴۵.۳۲	۸,۹۳۸.۱۲	۳,۹۷۲.۲۲	۱ تن	کره فله / عمده	۱۷
۲,۱۷۳.۹۱	۸۳۳.۳۳	۱,۰۲۹.۲۴	۱,۲۳۰.۷۷	۶۸۳.۴۵	۱,۱۹۷.۸۶	۱,۴۳۳.۹۹	۱ تن	لوبیا قرمز فله	۱۸
۱,۰۸۶.۹۶	۴۱۶.۶۷	۲۵۷.۳۱	۴۳۵.۹۰	۲۶۲.۵۹	۳۹۲.۶۷	۳۴۴.۵۰	۱ تن	سیب‌زمینی عمده‌فروشی	۱۹
۱,۰۸۶.۹۶	۵۵۵.۵۶	۲۹۲.۴۰	۳۰۷.۶۹	۳۵۲.۵۲	۴۲۳.۹۹	۳۳۸.۰۰	۱ تن	پیاز عمده‌فروشی	۲۰
۱,۰۸۶.۹۶	۶۹۴.۴۴	۳۳۹.۱۸	۴۶۱.۵۴	۲۸۰.۵۸	۴۴۶.۹۱	۳۹۷.۲۲	۱ تن	خیار عمده‌فروشی	۲۱
۱,۰۸۶.۹۶	۸۳۳.۳۳	۵۰۲.۹۲	۱,۵۸۹.۷۴	۵۸۲.۷۳	۸۱۲.۰۷	۱,۰۳۶.۰۰	۱ تن	موز عمده‌فروشی / وارداتی	۲۲
۲,۱۷۳.۹۱	۸۳۳.۳۳	۳۶۲.۵۷	۵۸۹.۷۴	۳۵۲.۵۲	۴۴۱.۵۶	۳۰۲.۸۱	۱ تن	گوجه‌فرنگی عمده‌فروشی	۲۳
۱,۰۸۶.۹۶	۸۳۳.۳۳	۱,۴۲۶.۹۰	۱,۰۵۱.۲۸	۱,۸۹۹.۲۸	۹۳۱.۲۵	۷۲۲.۲۲	۱ تن	رب گوجه‌فرنگی فله	۲۴
۴,۳۴۷.۸۳	۲,۲۲۲.۲۲	۱,۳۶۸.۴۲	۲,۰۰۰.۰۰	۱,۸۷۰.۵۰	۱,۴۸۹.۶۹	۱,۰۱۱.۱۱	۱ تن	بیسکویت ساده عمده / کارتنی	۲۵

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که تبدیل قیمت‌های عمده‌فروشی به دلار آمریکا، تصویر روشن‌تری از جایگاه قیمتی کالاهای پایه، نهاده‌های تولید، اقلام فله‌ای و کالاهای عمده‌فروشی مرتبط با سبد مصرف خانوار در ایران نسبت به کشورهای منتخب ارائه می‌دهد. بر اساس این مقایسه، ایران در برخی اقلام مانند گندم معمولی و آرد گندم فله، پایین‌ترین قیمت دلاری را در میان کشورهای مورد بررسی دارد. این موضوع می‌تواند بیانگر نقش قیمت‌گذاری حمایتی، سیاست‌های تنظیم بازار و مداخلات دولت در زنجیره گندم و



آرد باشد. با این حال، پایین بودن قیمت دلاری این اقلام لزوماً به معنای مزیت رقابتی پایدار نیست؛ زیرا قیمت این کالاها در بسیاری از کشورها تحت تأثیر سیاست‌های امنیت غذایی، یارانه‌ای و حمایتی قرار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً نتیجه بهره‌وری یا مزیت تولیدی دانست.

در مقابل، در برخی نهاده‌ها و کالاهای واردات‌محور یا وابسته به بازارهای جهانی، ایران در موقعیت قیمتی بالاتری قرار می‌گیرد. قیمت دلاری ذرت دامی، کنجاله سویا، برنج وارداتی، عدس، لوبیا چیتی، نخود و چای وارداتی در ایران نسبت به بخش قابل توجهی از کشورهای مورد مقایسه بالاتر است. این الگو نشان می‌دهد که بخشی از فشار قیمتی مشاهده‌شده در بازار مصرف، پیش از رسیدن کالا به سطح خرده‌فروشی و در حلقه‌های تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی شکل می‌گیرد. به‌ویژه در مورد حبوبات و چای، بالا بودن قیمت دلاری ایران در سطح عمده‌فروشی با یافته‌های بخش خرده‌فروشی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که گرانی این اقلام صرفاً ناشی از شبکه توزیع یا حاشیه سود خرده‌فروشی نیست، بلکه بخشی از آن به سطح بالاتر قیمت در حلقه‌های ابتدایی زنجیره بازمی‌گردد.

مقایسه کالاها همچنین نشان می‌دهد که ساختار قیمت عمده‌فروشی در ایران یکدست نیست. در برخی کالاها مانند شکر و روغن خام نباتی، قیمت دلاری ایران در محدوده میانی یا نسبتاً رقابتی قرار دارد؛ اما در نهاده‌هایی مانند ذرت دامی و کنجاله سویا، ایران از منظر دلاری در جایگاه گران‌تری نسبت به بیشتر کشورهای مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این موضوع برای صنایع غذایی، دام و طیور اهمیت زیادی دارد؛ زیرا افزایش قیمت این نهاده‌ها می‌تواند با وقفه زمانی کوتاه به قیمت نهایی گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و سایر کالاهای وابسته منتقل شود. بنابراین، تحلیل عمده‌فروشی نشان می‌دهد که بخشی از افزایش هزینه تولید در ایران، ریشه در قیمت بالاتر برخی نهاده‌های کلیدی دارد.

در اقلام دامی، لبنی و شیلاتی، تصویر متفاوت‌تری مشاهده می‌شود. قیمت دلاری دام زنده یا لاشه گوشت گاو و گوسفند در ایران نسبت به برخی کشورهای منتخب پایین‌تر و نسبت به برخی دیگر بالاتر است؛ بنابراین نمی‌توان درباره این گروه حکم کلی واحدی صادر کرد. در مقابل، قیمت عمده‌فروشی ماهی و شیر خام در ایران نسبتاً پایین‌تر از بسیاری از کشورهای مورد بررسی است. این تفاوت نشان می‌دهد که منشأ فشار قیمت در همه اقلام پروتئینی یکسان نیست و باید میان نهاده‌های دامی، تولید دام، لبنیات، شیلات و شبکه توزیع هرکدام تفکیک قائل شد.

در گروه میوه، سبزی و صیفی‌جات نیز نتایج جدول نشان می‌دهد که ایران در برخی اقلام مانند سیب‌زمینی، پیاز، خیار و گوجه‌فرنگی، در سطح عمده‌فروشی الزاماً گران‌تر از کشورهای منتخب نیست و در مواردی در محدوده پایین یا میانی قرار می‌گیرد. با این حال، در برخی کالاهای وارداتی یا حساس به هزینه حمل‌ونقل و تجارت، مانند موز، قیمت دلاری ایران می‌تواند به سطح بالاتری نزدیک شود. این موضوع نشان می‌دهد



که در اقلام کشاورزی، علاوه بر هزینه تولید داخلی، عواملی مانند فصل تولید، کیفیت، ضایعات، انبارداری، حمل و نقل و واردات نیز بر قیمت عمده‌فروشی اثرگذار هستند.

در کالاهای فرآوری‌شده و نیمه‌فرآوری‌شده مانند رب گوجه‌فرنگی، فله، کره فله و بیسکویت ساده عمده، قیمت دلاری فقط بازتاب قیمت ماده اولیه نیست، بلکه هزینه فرآوری، بسته‌بندی، تولید صنعتی، انرژی، حمل و نقل و شبکه توزیع را نیز دربر می‌گیرد. از این منظر، این اقلام می‌توانند برای تشخیص اینکه فشار قیمت در مرحله ماده خام، فرآوری یا توزیع شکل گرفته است، نقش تحلیلی مهمی داشته باشند.

بر این اساس، نتایج جدول ۱۰ می‌تواند مبنای ورود به مرحله بعدی تحلیل، یعنی بررسی حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی باشد. اگر کالایی در سطح عمده‌فروشی نیز نسبت به کشورهای منتخب گران‌تر باشد، منشأ فشار قیمتی را باید بیشتر در تأمین، واردات، تولید، نهاده‌ها یا سیاست‌های تنظیم بازار جست‌وجو کرد. اما اگر کالایی در سطح عمده‌فروشی قیمت رقابتی داشته باشد و در سطح خرده‌فروشی گران‌تر ظاهر شود، احتمال وجود ناکارآمدی در شبکه توزیع، تعدد واسطه‌ها، هزینه‌های لجستیکی، بسته‌بندی یا ضعف رقابت در حلقه‌های پایانی زنجیره بیشتر می‌شود.

در جمع‌بندی، نتایج تحلیل FX عمده‌فروشی نشان می‌دهد که ایران در همه مواد اولیه، نهاده‌ها و کالاهای پایه دارای مزیت قیمتی نیست. مزیت دلاری ایران عمدتاً در برخی اقلام خاص مانند گندم، آرد، شیر خام و بخشی از کالاهای کشاورزی یا شیلاتی مشاهده می‌شود که ممکن است تحت تأثیر سیاست‌های حمایتی، قیمت‌گذاری، شرایط تولید داخلی یا ساختار بازار قرار داشته باشند. در مقابل، در کالاهایی مانند برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات و چای، قیمت دلاری ایران در سطح عمده‌فروشی نسبتاً بالا بوده و نشان می‌دهد بخشی از گرانی این اقلام از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود. بنابراین، مزیت قیمتی ایران محدود، کالامحور و در برخی موارد متکی بر سیاست‌های حمایتی است و به کل زنجیره تأمین کالاهای اساسی و مصرفی قابل تعمیم نیست.

۳-۵. تحلیل حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (Mark-up Analysis)

مقایسه قیمت عمده‌فروشی و قیمت خرده‌فروشی کالاهای متناظر، امکان می‌دهد مشخص شود افزایش قیمت کالاها در چه بخشی از زنجیره ارزش شکل می‌گیرد. در برخی اقلام، کالا از همان مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی با قیمت بالا وارد بازار می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر، بخش قابل توجهی از افزایش قیمت در مراحل بعدی، یعنی حمل و نقل، انبارداری، فرآوری، بسته‌بندی، توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی ایجاد می‌شود.



برای این منظور، قیمت عمده‌فروشی اقلام منتخب ابتدا به واحد قابل مقایسه با قیمت خرده‌فروشی تبدیل می‌شود. از آنجا که قیمت‌های عمده‌فروشی در جدول ۱۰ بر حسب «دلار به ازای هر تن» محاسبه شده‌اند، لازم است این قیمت‌ها به «دلار به ازای هر کیلوگرم» تبدیل شوند. سپس قیمت خرده‌فروشی هر کالا بر حسب دلار با قیمت عمده‌فروشی متناظر مقایسه می‌شود. نسبت قیمت خرده‌فروشی به قیمت عمده‌فروشی نشان می‌دهد که قیمت کالا در مسیر حرکت از بازار عمده‌فروشی تا مصرف‌کننده نهایی چند برابر شده است.

- ضریب افزایش قیمت = قیمت خرده‌فروشی هر کیلوگرم / قیمت عمده‌فروشی هر کیلوگرم

- درصد حاشیه توزیع = ((قیمت خرده‌فروشی - قیمت عمده‌فروشی) / قیمت عمده‌فروشی) × ۱۰۰

با این حال، باید توجه داشت که فاصله میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی صرفاً به معنای سود خرده‌فروش نیست. این فاصله می‌تواند مجموعه‌ای از هزینه‌های حمل‌ونقل، نگهداری، انبارداری، ضایعات، بسته‌بندی، فرآوری، مالیات، هزینه سرمایه در گردش، اجاره، بازاریابی، هزینه نیروی کار و حاشیه سود واسطه‌ها و فروشندگان را دربر گیرد. بنابراین، شاخص حاشیه توزیع بیشتر به‌عنوان معیاری برای سنجش فاصله قیمتی میان حلقه عمده‌فروشی و مصرف نهایی استفاده می‌شود و نباید به‌طور مستقیم معادل سود خرده‌فروشی تلقی شود.

در این بخش، تمرکز بر کالاهایی است که امکان مقایسه مستقیم‌تری میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی آن‌ها وجود دارد؛ مانند برنج، شکر، روغن، حبوبات، چای، گوشت، ماهی، شیر، کره، سیب‌زمینی، پیاز، خیار، موز، گوجه‌فرنگی، رب گوجه‌فرنگی و بیسکویت. در این گروه، کالای عرضه‌شده در بازار عمده‌فروشی با کالای مصرفی نهایی شباهت بیشتری دارد و می‌توان فاصله قیمت عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی را با دقت بیشتری بررسی کرد.

در مقابل، برخی اقلام جدول عمده‌فروشی مانند گندم، آرد، ذرت دامی و کنجاله سویا ارتباط مستقیم‌تری با قیمت مصرف‌کننده نهایی ندارند. گندم و آرد پس از فرآوری و عرضه در قالب نان یا سایر محصولات آردی وارد سبد مصرف خانوار می‌شوند. ذرت دامی و کنجاله سویا نیز نهاده تولید محسوب می‌شوند و اثر آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم در قیمت گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات ظاهر می‌شود. بنابراین، تحلیل حاشیه توزیع برای این گروه از کالاها باید بیشتر به‌عنوان شاخصی از فشار هزینه‌ای در زنجیره تولید تفسیر شود، نه مقایسه مستقیم عمده‌فروشی و خرده‌فروشی.

همچنین در برخی کالاهای فرآوری‌شده مانند رب گوجه‌فرنگی، کره و بیسکویت، فاصله میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی فقط به توزیع مربوط نیست، بلکه بخشی از آن ناشی از فرآوری، بسته‌بندی،

برند، کیفیت، استانداردهای تولید و هزینههای عرضه در شبکه فروش است. از این رو، در تفسیر این اقلام باید میان حاشیه ناشی از فرآوری و حاشیه ناشی از توزیع تفکیک قائل شد.

در این مرحله، برای تمرکز بر مقایسه منطقه‌ای و پرهیز از طولانی‌شدن گزارش، حاشیه توزیع کالاهای متناظر در ایران با دو کشور عراق و ترکیه مقایسه می‌شود. انتخاب عراق از آن جهت اهمیت دارد که این کشور از نظر جغرافیایی، روابط تجاری، الگوی مصرف برخی کالاهای اساسی و دسترسی منطقه‌ای، به ایران نزدیک است. در مقابل، ترکیه به‌عنوان اقتصادی منطقه‌ای با ساختار بازار توسعه‌یافته‌تر، شبکه توزیع گسترده‌تر، سطح بالاتر استانداردهای عرضه و در برخی اقلام هزینه‌های بالاتر فرآوری، بسته‌بندی و خدمات توزیع انتخاب شده است.

بنابراین، مقایسه ایران با عراق و ترکیه امکان می‌دهد جایگاه ایران در میان دو وضعیت متفاوت منطقه‌ای بررسی شود: از یک سو، کشوری با نزدیکی جغرافیایی و الگوی مصرف نسبتاً مشابه، و از سوی دیگر، اقتصادی با شبکه توزیع و ساختار بازار توسعه‌یافته‌تر. این مقایسه کمک می‌کند مشخص شود که فاصله میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در ایران بیشتر ناشی از فشار اولیه قیمت در زنجیره تأمین است یا از هزینه‌ها و ناکارآمدی‌های مراحل پایانی توزیع و عرضه به مصرف‌کننده نهایی.

جدول ۱۱- مقایسه حاشیه توزیع کالاهای متناظر عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در ایران، عراق و ترکیه- بر حسب دلار آمریکا (سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	کالا	کشور	قیمت عمده‌فروشی هر کیلو	قیمت خرده‌فروشی هر کیلو	ضریب افزایش قیمت	درصد افزایش قیمت از عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی
۱	آرد گندم فله/ نان سفید	ایران	۰.۳۱	۱.۱۲	۳.۶۷	۲۶۶.۵٪
۲		عراق	۰.۵۳	۱.۶۰	۲.۹۹	۱۹۹.۲٪
۳		ترکیه	۰.۴۶	۲.۰۶	۴.۴۶	۳۴۶.۳٪
۴	برنج وارداتی فله/ برنج خارجی درجه ۱	ایران	۰.۸۳	۱.۴۶	۱.۷۵	۷۵.۲٪
۵		عراق	۰.۶۱	۱.۵۳	۲.۵۰	۱۵۰.۳٪
۶		ترکیه	۰.۹۰	۲.۰۵	۲.۲۸	۱۲۸.۴٪
۷	برنج داخلی/ محلی فله/ برنج محلی	ایران	۱.۰۷	۱.۸۷	۱.۷۵	۷۴.۷٪
۸		عراق	۰.۶۵	۱.۶۳	۲.۵۰	۱۴۹.۸٪
۹		ترکیه	۱.۰۰	۲.۳۰	۲.۳۰	۱۳۰.۰٪
۱۰	روغن خام نباتی/ روغن نباتی	ایران	۱.۰۳	۱.۳۷	۱.۳۳	۳۲.۶٪
۱۱		عراق	۰.۹۲	۲.۰۶	۲.۲۵	۱۲۴.۷٪

۱۵۵.۷٪	۲.۵۶	۲.۹۵	۱.۱۵	ترکیه		۱۲
۵۶.۰٪	۱.۵۶	۰.۷۸	۰.۵۰	ایران	شکر سفید فله / شکر	۱۳
۹۱.۳٪	۱.۹۱	۰.۹۵	۰.۵۰	عراق		۱۴
۸۸.۸٪	۱.۸۹	۱.۲۱	۰.۶۴	ترکیه		۱۵
۷۰.۴٪	۱.۷۰	۴.۶۴	۲.۷۲	ایران	لوبیا چیتی فله / حبوبات، لوبیا چیتی	۱۶
۴۶.۶٪	۱.۴۷	۱.۶۸	۱.۱۵	عراق		۱۷
۹۹.۷٪	۲.۰۰	۲.۵۶	۱.۲۸	ترکیه		۱۸
۵۴.۰٪	۱.۵۴	۱۱.۹۸	۷.۷۸	ایران	چای وارداتی فله / چای خارجی	۱۹
۴۹.۷٪	۱.۵۰	۵.۷۲	۳.۸۲	عراق		۲۰
۲۵۰.۰٪	۳.۵۰	۱۳.۴۶	۳.۸۵	ترکیه		۲۱
۲۸.۹٪	۱.۲۹	۲.۲۲	۱.۷۲	ایران	عدس فله / عدس	۲۲
۱۳۹.۵٪	۲.۴۰	۱.۸۳	۰.۷۶	عراق		۲۳
۱۴۲.۹٪	۲.۴۳	۲.۱۸	۰.۹۰	ترکیه		۲۴
۲۶.۰٪	۱.۲۶	۱.۸۹	۱.۵۰	ایران	نخود فله / نخود	۲۵
۱۲۲.۵٪	۲.۲۳	۱.۵۳	۰.۶۹	عراق		۲۶
۸۷.۲٪	۱.۸۷	۱.۹۲	۱.۰۳	ترکیه		۲۷
۷۰.۲٪	۱.۷۰	۲.۴۴	۱.۴۳	ایران	لوبیا قرمز فله / لوبیا قرمز	۲۸
۴۶.۹٪	۱.۴۷	۱.۷۶	۱.۲۰	عراق		۲۹
۹۸.۲٪	۱.۹۸	۲.۴۴	۱.۲۳	ترکیه		۳۰
۵۳.۸٪	۱.۵۴	۰.۵۳	۰.۳۴	ایران	سیبزمینی عمده فروشی / سیبزمینی	۳۱
۵۲.۸٪	۱.۵۳	۰.۶۰	۰.۳۹	عراق		۳۲
۴۹.۱٪	۱.۴۹	۰.۶۵	۰.۴۴	ترکیه		۳۳
۵۳.۸٪	۱.۵۴	۰.۵۲	۰.۳۴	ایران	پیاز عمده فروشی / پیاز	۳۴
۵۳.۳٪	۱.۵۳	۰.۶۵	۰.۴۲	عراق		۳۵
۵۶.۰٪	۱.۵۶	۰.۴۸	۰.۳۱	ترکیه		۳۶
۵۳.۶٪	۱.۵۴	۰.۶۱	۰.۴۰	ایران	خیار عمده فروشی / خیار	۳۷
۵۴.۴٪	۱.۵۴	۰.۶۹	۰.۴۵	عراق		۳۸
۵۶.۰٪	۱.۵۶	۰.۷۲	۰.۴۶	ترکیه		۳۹
۴۲.۹٪	۱.۴۳	۱.۴۸	۱.۰۴	ایران	موز عمده فروشی / موز	۴۰
۴۲.۸٪	۱.۴۳	۱.۱۶	۰.۸۱	عراق		۴۱
۴۳.۴٪	۱.۴۳	۲.۲۸	۱.۵۹	ترکیه		۴۲
۵۵.۲٪	۱.۵۵	۰.۴۷	۰.۳۰	ایران		۴۳

۵۴.۰٪	۱.۵۴	۰.۶۸	۰.۴۴	عراق	گوجه‌فرنگی عمده‌فروشی/	۴۴
۵۲.۶٪	۱.۵۳	۰.۹۰	۰.۵۹	ترکیه	گوجه‌فرنگی	۴۵
۵۴.۰٪	۱.۵۴	۱.۱۱	۰.۷۲	ایران	رب گوجه‌فرنگی فله/ رب	۴۶
۵۴.۴٪	۱.۵۴	۱.۴۴	۰.۹۳	عراق	گوجه‌فرنگی	۴۷
۵۲.۲٪	۱.۵۲	۱.۶۰	۱.۰۵	ترکیه		۴۸
۷۱.۴٪	۱.۷۱	۱.۷۳	۱.۰۱	ایران	بیسکویت ساده عمده/	۴۹
۷۰.۱٪	۱.۷۰	۲.۵۳	۱.۴۹	عراق	بیسکویت ساده	۵۰
۷۱.۱٪	۱.۷۱	۳.۴۲	۲.۰۰	ترکیه		۵۱

تحلیل جدول ۱۱ و مقایسه ایران با دو کشور منطقه‌ای عراق و ترکیه، تصویر دقیق‌تری از جایگاه ایران در فاصله قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ارائه می‌دهد. بر اساس کالاهای متناظر موجود در جدول، ترکیه در بخش قابل توجهی از اقلام، ضریب افزایش قیمت بالاتری نسبت به ایران و عراق دارد؛ به‌ویژه در کالاهایی مانند آرد/نان، روغن نباتی، چای خارجی و برخی حبوبات. عراق نیز در برخی اقلام مانند برنج، عدس و نخود، حاشیه بالاتری نسبت به ایران نشان می‌دهد، اما در برخی کالاها مانند لوبیا چیتی، چای، لوبیا قرمز و بخشی از اقلام تره‌باری، فاصله قیمت عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی در این کشور محدودتر است. بنابراین، وضعیت عراق و ترکیه کاملاً یکنواخت نیست، اما در مجموع ترکیه به‌عنوان نمونه‌ای با حاشیه قیمتی بالاتر و عراق به‌عنوان نمونه‌ای میانی یا نزدیک‌تر به ایران قابل تفسیر است.

میانگین ساده ضریب افزایش قیمت در اقلام متناظر جدول نشان می‌دهد که این شاخص برای ایران حدود ۱.۶۷، برای عراق حدود ۱.۸۸ و برای ترکیه حدود ۲.۱۲ است. این ارقام نشان می‌دهد که ایران، در میانگین ساده اقلام مورد بررسی، پایین‌تر از عراق و ترکیه قرار می‌گیرد. با این حال، این نتیجه نباید به معنای کارایی کامل شبکه توزیع ایران تفسیر شود؛ زیرا در برخی کالاها، قیمت عمده‌فروشی ایران از ابتدا در سطح بالاتری قرار دارد و همین موضوع باعث می‌شود ضریب افزایش قیمت از عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی ظاهراً محدودتر به نظر برسد.

در ایران، بیشترین ضریب افزایش قیمت مربوط به آرد گندم فله/نان سفید است. البته این مورد باید با احتیاط تفسیر شود، زیرا نان یک کالای فرآوری‌شده است و فاصله آن با قیمت آرد فقط حاشیه توزیع نیست؛ بلکه شامل هزینه پخت، نیروی کار، حمل‌ونقل، ضایعات، اجاره، انرژی، سیاست‌های قیمت‌گذاری و سازوکار یارانه‌ای نیز می‌شود. بنابراین، ضریب بالای این ردیف بیش از آنکه صرفاً نشانه ضعف شبکه توزیع باشد، بازتاب‌دهنده فاصله میان ماده اولیه و کالای نهایی مصرفی است.

در مقابل، در کالاهایی مانند روغن، شکر، عدس، نخود، چای، برخی حبوبات، سیب‌زمینی، پیاز، خیار، موز، گوجه‌فرنگی، رب گوجه‌فرنگی و بیسکویت، ضریب افزایش قیمت ایران نسبتاً محدودتر از ترکیه و در برخی



موارد نزدیک به عراق است. این موضوع نشان می‌دهد که در بخشی از اقلام، مسئله اصلی ایران الزاماً افزایش شدید قیمت در حلقه توزیع نیست؛ بلکه قیمت کالا در سطح عمده‌فروشی یا در حلقه‌های ابتدایی زنجیره از ابتدا بالا است.

برای نمونه، در کالاهایی مانند لوبیا چیتی و چای، قیمت عمده‌فروشی ایران نسبت به عراق و ترکیه بالاتر است و همین موضوع بخشی از قیمت بالاتر در سطح مصرف‌کننده را توضیح می‌دهد. بنابراین، گرانی این اقلام را نمی‌توان فقط به خرده‌فروشی یا واسطه‌گری نسبت داد؛ بلکه بخشی از فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود. در مقابل، در کالاهایی که قیمت عمده‌فروشی ایران پایین‌تر یا نزدیک به کشورهای منتخب است اما قیمت خرده‌فروشی فاصله بیشتری پیدا می‌کند، باید حلقه‌های توزیع، بسته‌بندی، فرآوری، حمل‌ونقل و ساختار رقابت در بازار نهایی بررسی شود.

بر اساس این نتایج، سیاست‌گذاری برای کاهش قیمت مصرف‌کننده در ایران باید به‌صورت کالابه‌کالا طراحی شود. در کالاهایی مانند نان، لازم است حلقه فرآوری، پخت، توزیع و قیمت‌گذاری به‌طور جداگانه بررسی شود. در کالاهایی مانند حبوبات، چای و برنج، تمرکز صرف بر خرده‌فروشی کافی نیست و باید هزینه تأمین، واردات، عمده‌فروشی و ساختار بازار در حلقه‌های ابتدایی زنجیره نیز مورد توجه قرار گیرد. در کالاهایی مانند رب گوجه‌فرنگی، بیسکویت و روغن نیز باید اثر فرآوری، بسته‌بندی و تولید صنعتی از حاشیه توزیع تفکیک شود. به بیان دیگر، تحلیل حاشیه قیمتی نشان می‌دهد که منشأ گرانی در ایران همیشه در یک نقطه از زنجیره قرار ندارد. در برخی کالاها، فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؛ در برخی دیگر، فرآوری و بسته‌بندی نقش پررنگ‌تری دارد؛ و در بخشی از اقلام، فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌تواند نشان‌دهنده هزینه‌های توزیع، تعدد واسطه‌ها یا ناکارآمدی شبکه عرضه باشد. بنابراین، سیاست کنترل قیمت نیز نباید عمومی و یکسان باشد، بلکه باید بر اساس منشأ فشار قیمت در هر گروه کالایی طراحی شود.

۶- ارزیابی دلاری‌شدن هزینه اقلام ضروری در ایران

پس از بررسی قیمت کالاها و خدمات منتخب در سطح خرده‌فروشی، برابری قدرت خرید، عمده‌فروشی و حاشیه قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، در این بخش نتایج به‌دست‌آمده در یک چارچوب جمع‌بندی می‌شود تا به پرسش اصلی گزارش پاسخ داده شود: آیا هزینه اقلام ضروری و مصرفی خانوار در ایران، به‌ویژه کالاهای خوراکی، معیشتی، بهداشتی و خدمات پایه، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است؟ منظور از «دلاری‌شدن هزینه اقلام ضروری» این نیست که همه قیمت‌ها در ایران دقیقاً با قیمت‌های جهانی برابر شده‌اند یا همه کالاها الگوی قیمتی مشابهی دارند. مقصود آن است که بخشی از اقلام ضروری خانوار، پس از تبدیل به دلار و حتی در برخی موارد پس از تعدیل بر اساس برابری قدرت خرید، در سطوحی قرار گرفته‌اند



که با کشورهای منطقه‌ای یا برخی اقتصادهای با درآمد بالاتر قابل مقایسه‌اند. این وضعیت به‌ویژه در بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای واردات‌محور، نهاده‌بر و برخی اقلام مصرفی تکرارشونده خانوار مشاهده می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که سطح قیمت‌ها در کنار درآمد و دستمزد داخلی بررسی شود. اگر قیمت برخی کالاهای ضروری به سطح دلاری کشورهای منطقه‌ای یا بین‌المللی نزدیک شود، اما درآمد خانوار ایرانی متناسب با آن افزایش نیابد، فشار واقعی بر قدرت خرید خانوار افزایش می‌یابد. بنابراین، مسئله اصلی فقط بالا بودن یا پایین بودن قیمت دلاری کالاها نیست، بلکه نسبت این قیمت‌ها با سطح درآمد و توان خرید خانوار است.

در این بخش، نتایج چهار سطح تحلیل پیشین در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد: نخست، قیمت خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار؛ دوم، قیمت خرده‌فروشی بر اساس برابری قدرت خرید؛ سوم، قیمت عمده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار؛ و چهارم، تحلیل فاصله قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی. این رویکرد کمک می‌کند مشخص شود که گرانی کالاها در ایران در کدام بخش از زنجیره شکل می‌گیرد؛ آیا فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود، یا در مراحل بعدی مانند فرآوری، بسته‌بندی، توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی تشدید می‌شود.

بر این اساس، دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران پدیده‌ای عمومی، یکسان و فراگیر نیست؛ بلکه پدیده‌ای کالامحور و نامتوازن است. در برخی اقلام، مانند حامل‌های انرژی و بخشی از خدمات پایه، قیمت‌ها همچنان به‌واسطه یارانه و قیمت‌گذاری اداری بسیار پایین‌تر از کشورهای منتخب قرار دارند. در مقابل، بخشی از خوراکی‌ها، کالاهای واردات‌محور، حبوبات، چای، برنج، برخی اقلام پروتئینی و تعدادی از کالاهای مصرفی خانوار، از منظر دلاری یا قدرت خرید، فاصله کمتری با کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی دارند. همین ناهمگونی، ضرورت تحلیل کالابه‌کالا و سیاست‌گذاری متناسب با منشأ فشار قیمت در هر گروه کالایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲- جمع‌بندی شواهد دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران

سطح تحلیل	پرسش اصلی	شواهد مشاهده‌شده در گزارش	اقلام شاخص	نتیجه تحلیلی
خرده‌فروشی بر مبنای نرخ ارز بازار (FX)	آیا مصرف‌کننده ایرانی برخی کالاهای ضروری را با قیمتی نزدیک به کشورهای منطقه‌ای یا جهانی خریداری می‌کند؟	نتایج تبدیل قیمت‌های خرده‌فروشی به دلار نشان می‌دهد که ایران در بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای مصرفی و اقلام بهداشتی، الزاماً ارزان‌ترین کشور نمونه نیست و قیمت برخی کالاها به سطح کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر نزدیک شده است.	برنج خارجی، گوشت گاو، گوشت گوسفند، حبوبات، چای، روغن نباتی، برخی اقلام بهداشتی و شوینده	شواهدی از دلاری شدن نسبی هزینه بخشی از اقلام خوراکی، مصرفی و خانوارمحور مشاهده می‌شود.

خرده‌فروشی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP)	آیا فشار قیمت کالاها بر قدرت خرید داخلی خانوار ایرانی بالاست؟	حتی پس از تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها، برخی اقلام در ایران نسبت به کشورهای منتخب در سطح بالاتری قرار می‌گیرند و در ساختار هزینه زندگی خانوار ایرانی وزن قیمتی بیشتری دارند.	حبوبات، چای، برنج خارجی، برنج محلی، برخی اقلام پروتئینی، پوشک، پد بهداشتی، شوینده‌ها	مسئله فقط نرخ ارز نیست؛ برخی کالاها در ساختار هزینه زندگی ایران نیز گران محسوب می‌شوند.
عمده‌فروشی بر مبنای نرخ ارز بازار (FX)	آیا گرانی کالاها از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؟	در برخی کالاها و نهاده‌ها، قیمت دلاری عمده‌فروشی ایران بالاتر از بخشی از کشورهای منتخب است. این موضوع نشان می‌دهد که فشار قیمتی در برخی اقلام، پیش از رسیدن به سطح خرده‌فروشی شکل می‌گیرد.	برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات، چای، برخی اقلام فله‌ای و واردات محور	بخشی از دلاری شدن هزینه کالاها از حلقه‌های ابتدایی زنجیره تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود.
تحلیل حاشیه قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (Mark- up)	آیا گرانی کالاها صرفاً ناشی از شبکه توزیع و خرده‌فروشی است؟	نتایج نشان می‌دهد در برخی کالاها فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی مهم است، اما در برخی دیگر قیمت از همان سطح عمده‌فروشی بالا است. همچنین در برخی اقلام، فاصله قیمت ناشی از فرآوری، بسته‌بندی، تبدیل کالا و شبکه توزیع است.	نان، روغن، شکر، حبوبات، چای، برنج، رب گوجه‌فرنگی، بیسکویت، تره‌بار	منشأ گرانی کالاها یکسان نیست و باید کالابه‌کالا و بر اساس حلقه اصلی فشار قیمتی تحلیل شود.
انرژی و خدمات پایه	آیا همه هزینه‌های ضروری در ایران دلاری شده‌اند؟	برخلاف بخشی از اقلام خوراکی و مصرفی، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه در ایران همچنان به‌شدت پایین‌تر از سطح کشورهای منتخب قرار دارند؛ حتی پس از تعدیل بر اساس قدرت خرید.	بنزین، برق، گاز خانگی، اینترنت	دلاری شدن هزینه‌ها عمومی و فراگیر نیست؛ انرژی و برخی خدمات پایه همچنان به دلیل یارانه و قیمت‌گذاری اداری بسیار ارزان‌تر از کشورهای منتخب‌اند.
اقلام مصرفی غیرخوراکی و بهداشتی	آیا فشار هزینه خانوار فقط از ناحیه خوراکی‌هاست؟	مقایسه اقلامی مانند شامپو، خمیردندان، صابون، پوشک، پد بهداشتی، دستمال کاغذی و شوینده‌ها نشان می‌دهد بخشی از هزینه‌های تکرارشونده خانوار نیز در برخی موارد به سطح قابل مقایسه با کشورهای منتخب رسیده است.	شامپو، خمیردندان، پوشک بچه، پد بهداشتی بانوان، مایع ظرفشویی، پودر یا مایع لباسشویی	فشار معیشتی فقط به خوراکی‌ها محدود نیست و بخشی از اقلام غیرخوراکی ضروری نیز باید در تحلیل هزینه زندگی لحاظ شود.

جمع‌بندی کلی	آیا می‌توان گفت هزینه زندگی در ایران دلاری شده است؟	شواهد نشان می‌دهد بخشی از هزینه‌های ضروری، به‌ویژه خوراکی‌های واردات‌محور، نهاده‌بر، برخی کالاهای مصرفی و اقلام تکرارشونده خانوار، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند؛ اما این روند در همه کالاها دیده نمی‌شود.	خوراکی‌ها، حبوبات، چای، برنج، کالاهای بهداشتی و شوینده در برابر انرژی و خدمات یارانه‌ای	دلاری شدن هزینه معیشت در ایران نسبی، کالامحور و نامتوازن است؛ بخشی از اقلام ضروری به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند، اما انرژی و برخی خدمات پایه همچنان بسیار پایین‌تر از این سطح قرار دارند.
--------------	---	---	---	--

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که دلاری شدن هزینه‌های ضروری در ایران پدیده‌ای عمومی، یکدست و فراگیر نیست؛ بلکه بیشتر در بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای واردات‌محور، کالاهای وابسته به نهاده‌های جهانی و برخی اقلام مصرفی تکرارشونده خانوار مشاهده می‌شود. به بیان دیگر، نمی‌توان گفت همه قیمت‌ها در ایران به سطح منطقه‌ای یا جهانی رسیده‌اند؛ زیرا حامل‌های انرژی، برق، گاز خانگی و برخی خدمات پایه همچنان به‌شدت تحت تأثیر قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای قرار دارند و فاصله زیادی با سطح قیمت کشورهای منتخب دارند.

با این حال، در کالاهایی مانند برنج، گوشت، حبوبات، چای، روغن، بخشی از لبنیات و همچنین برخی اقلام بهداشتی و شوینده، قیمت‌های دلاری یا قیمت‌های تعدیل‌شده بر اساس برابری قدرت خرید نشان می‌دهد که خانوار ایرانی در بخشی از اقلام ضروری و مصرفی با سطح قیمتی نزدیک به کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر مواجه است. بنابراین، مسئله اصلی در ایران ارزان یا گران بودن مطلق همه کالاها نیست، بلکه ناهمگونی شدید در ساختار قیمت‌هاست؛ به‌گونه‌ای که برخی کالاهای ضروری خانوار به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند، در حالی که انرژی و برخی خدمات پایه همچنان بسیار پایین‌تر از این سطح قرار دارند. اهمیت این یافته زمانی آشکارتر می‌شود که این قیمت‌ها در کنار سطح دستمزد و درآمد خانوار بررسی شوند. اگر قیمت بخشی از اقلام ضروری و مصرفی به سطح دلاری منطقه‌ای و جهانی نزدیک شود، اما دستمزدها و درآمد خانوار متناسب با آن افزایش نیابد، فشار معیشتی به‌شدت افزایش می‌یابد. بنابراین، مسئله اصلی در اقتصاد خانوار ایران فقط «گرانی کالاها» نیست، بلکه شکاف میان قیمت‌های نزدیک‌شده به سطح منطقه‌ای و جهانی از یک‌سو و سطح درآمد و قدرت خرید داخلی از سوی دیگر است.



به همین دلیل، در بخش بعدی گزارش، قدرت خرید دستمزدها در ایران و کشورهای منتخب مقایسه می‌شود تا مشخص شود خانوارها با درآمد ماهانه خود چه مقدار از اقلام ضروری و مصرفی را می‌توانند خریداری کنند.

۷- مقایسه دستمزد و قدرت خرید اقلام ضروری

میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، گام بعدی آن است که این قیمت‌ها در نسبت با سطح درآمد و دستمزد سنجیده شوند. مقایسه قیمت‌ها به‌تنهایی نشان می‌دهد کالاها در هر کشور چه سطح قیمتی دارند؛ اما برای ارزیابی اثر واقعی آن‌ها بر خانوار، باید مشخص شود هر واحد درآمد ماهانه چه مقدار از اقلام ضروری و مصرفی را پوشش می‌دهد.

در این بخش، تمرکز از «سطح قیمت» به «توان خرید» منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این نیست که قیمت یک کیلو برنج، گوشت، مرغ، حبوبات یا سایر اقلام ضروری در ایران چند دلار است؛ بلکه این است که یک فرد حقوق‌بگیر با دستمزد ماهانه خود در ایران و کشورهای منتخب، چه مقدار از این کالاها را می‌تواند خریداری کند. این رویکرد امکان می‌دهد تفاوت میان کشورها نه فقط از منظر قیمت کالا، بلکه از منظر نسبت قیمت به درآمد بررسی شود.

اهمیت این مقایسه در آن است که ممکن است قیمت دلاری برخی اقلام در ایران از قیمت کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد، اما به دلیل پایین‌تر بودن سطح دستمزد دلاری، همان کالا فشار بیشتری بر بودجه خانوار ایرانی وارد کند. در مقابل، ممکن است کشوری سطح قیمت بالاتری داشته باشد، اما به دلیل دستمزد بالاتر، قدرت خرید مصرف‌کننده در آن کشور بیشتر باشد. بنابراین، شاخص قدرت خرید کالایی، تصویر دقیق‌تری از وضعیت رفاهی خانوار نسبت به مقایسه ساده قیمت‌ها ارائه می‌دهد.

بر این اساس، در ادامه ابتدا دستمزد ماهانه در ایران و کشورهای منتخب به دلار آمریکا تبدیل می‌شود و سپس با استفاده از قیمت دلاری کالاهای خرده‌فروشی، قدرت خرید هر کشور برای چند قلم ضروری و مصرفی محاسبه می‌گردد. این محاسبه نشان می‌دهد دستمزد ماهانه در هر کشور معادل خرید چه مقدار از اقلامی مانند برنج، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر، روغن، شکر، حبوبات و برخی کالاهای مصرفی خانوار است و از این طریق، شکاف میان سطح قیمت کالاها و سطح درآمد خانوارها قابل مشاهده می‌شود.

۷-۱. قدرت خرید کالایی و مقایسه دستمزد دلاری کشورهای منتخب

برای مقایسه توان خرید خانوارها در ایران و کشورهای منتخب، در این بخش از شاخص «قدرت خرید کالایی» استفاده می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد دستمزد ماهانه در هر کشور، در صورت اختصاص کامل به خرید یک کالای مشخص، معادل چند واحد از آن کالا خواهد بود. به این ترتیب، به‌جای مقایسه صرف قیمت کالاها،



رابطه میان قیمت و دستمزد بررسی می‌شود و مشخص می‌گردد هر کالا چه سهمی از توان خرید ماهانه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد.

در گام نخست، دستمزد ماهانه هر کشور با استفاده از نرخ ارز بازار به دلار آمریکا تبدیل می‌شود. در گام دوم، دستمزد دلاری به دست‌آمده بر قیمت دلاری هر کالا تقسیم می‌شود. حاصل این محاسبه نشان می‌دهد که یک حقوق‌بگیر در هر کشور، با درآمد ماهانه خود چه مقدار از کالاهای منتخب، مانند برنج، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر، روغن، شکر، حبوبات و برخی اقلام مصرفی خانوار را می‌تواند خریداری کند.

فرمول تبدیل دستمزد به دلار به صورت زیر است:

دستمزد ماهانه دلاری = دستمزد ماهانه به پول ملی / نرخ ارز بازار

فرمول محاسبه قدرت خرید کالایی نیز به صورت زیر است:

قدرت خرید کالایی = دستمزد ماهانه دلاری / قیمت دلاری هر واحد کالا

برای مثال، اگر دستمزد ماهانه دلاری در یک کشور ۲۰۰ دلار و قیمت هر کیلو گوشت ۱۰ دلار باشد، قدرت خرید گوشت برابر با ۲۰ کیلوگرم در ماه خواهد بود. این شاخص امکان مقایسه‌ای ساده و قابل فهم میان کشورها فراهم می‌کند و نشان می‌دهد تفاوت سطح قیمت‌ها تا چه اندازه با تفاوت سطح درآمد جبران می‌شود یا نمی‌شود.

در تفسیر این شاخص باید توجه داشت که منظور از قدرت خرید کالایی، اختصاص واقعی کل درآمد خانوار به یک قلم کالا نیست؛ بلکه این شاخص یک معیار مقایسه‌ای است که نشان می‌دهد قیمت هر کالا در نسبت با دستمزد ماهانه چه جایگاهی دارد. بنابراین، هرچه مقدار قابل خرید یک کالا با دستمزد ماهانه بیشتر باشد، فشار آن کالا بر بودجه خانوار کمتر است و هرچه این مقدار کمتر باشد، آن کالا سهم سنگین‌تری از توان خرید خانوار را جذب می‌کند.

جدول ۱۳- چارچوب محاسبه دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب

کشور	شاخص دستمزد مورد استفاده	دستمزد ماهانه به پول ملی	نرخ ارز مورد استفاده	دستمزد ماهانه دلاری	توضیح
ایران	حداقل دستمزد / حداقل درآمد ماهانه ^{۴۸}	۱۰۳,۹۰۹,۶۸۰	۹۰۰,۰۰۰ ریال	۱۱۵.۵	مبنای سنجش فشار بر حقوق‌بگیران حداقلی
عراق	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۴۹}	۳۵۰,۰۰۰	۱,۳۰۹ دینار	۲۶۷.۴	حداقل دستمزد ملی در عراق فدرال
پاکستان	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۵۰}	۴۰,۰۰۰	۲۷۸ روپیه	۱۴۳.۹	حداقل دستمزد اعلامی برای سال مالی ۲۰۲۵-۲۰۲۶
ترکیه	حداقل دستمزد ماهانه ^{۵۱}	۲۲,۱۰۴,۶۷	۳۹ لیر	۵۶۶.۸	حداقل دستمزد خالص مصوب سال ۲۰۲۵
هند	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۵۲}	۲۲,۲۲۰	۸۵.۵ روپیه	۲۵۹.۹	میانگین درآمد ماهانه کارکنان
چین	متوسط دستمزد یا حداقل دستمزد شهری منتخب ^{۵۳}	۵,۹۶۶	۷.۲ یوان	۸۲۸.۶	محاسبه شده از میانگین سالانه دستمزد کارکنان واحدهای خصوصی شهری
ایتالیا	متوسط دستمزد یا حداقل دستمزد معادل ^{۵۴}	۳,۳۳۰	۰.۹۲ یورو	۳,۶۱۹.۶	میانگین درآمد ماهانه کارکنان

برای داده‌های دستمزد در جدول ۱۳، تلاش شده است برای هر کشور از قابل اتکاترین شاخص در دسترس استفاده شود؛ به گونه‌ای که امکان مقایسه تقریبی توان خرید کالاهای ضروری فراهم شود.

^{۴۸} <https://bidbarg.net/regulation/circular/mozd-۱۴۰۴/>

^{۴۹} <https://www.ilo.org/sites/default/files/۲۰۲۵-۰۹/V۵ConstructionPolicyPaper.pdf>

^{۵۰} <https://clr.org.pk/Labour-Laws/Minimum%۲۰Wage%۲۰Notification/Sindh%۲۰Unskilled%۲۰Workers%۲۰Minimum%۲۰Wages%۲۰۲۰۲۵.pdf>

^{۵۱} <https://www.csgeb.gov.tr/en/news/۲۴-۱۲-۲۰۲۴/>

^{۵۲} <https://ilostat.ilo.org/data/country-profiles/ind/>

^{۵۳} https://www.stats.gov.cn/english/PressRelease/۲۰۲۶۰۵/t۲۰۲۶۰۵۱۸_۱۹۶۳۷۴۰.html

^{۵۴} <https://ilostat.ilo.org/data/country-profiles/ita/>



در مورد ایران، حداقل دستمزد مصوب سال ۱۴۰۴ به عنوان مبنای محاسبه در نظر گرفته شده است. این انتخاب از آن جهت مناسب است که هدف این بخش، سنجش توان خرید گروه‌های حقوق‌بگیر در مواجهه با قیمت اقلام ضروری است. با این حال، باید توجه داشت که حداقل دستمزد نماینده کل جامعه شاغلان نیست و بیشتر وضعیت پایین‌ترین سطح رسمی دستمزد را نشان می‌دهد.

برای عراق، پاکستان و ترکیه نیز از حداقل دستمزد رسمی یا مصوب استفاده شده است؛ زیرا این شاخص در این کشورها مبنای مشخص‌تری برای سنجش توان خرید حقوق‌بگیران فراهم می‌کند. در مقابل، برای هند، چین و ایتالیا، به دلیل تفاوت در نظام دستمزدی و محدودیت دسترسی به حداقل دستمزد ملی یکپارچه یا قابل مقایسه، از میانگین درآمد یا دستمزد ماهانه قابل دسترس استفاده شده است. بنابراین، باید توجه داشت که ارقام مربوط به این کشورها الزاماً با حداقل دستمزد ایران، عراق، پاکستان و ترکیه از یک جنس آماری واحد نیستند.

با وجود این محدودیت، جدول ۱۳ تصویر مهمی از تفاوت سطح درآمد دلاری میان کشورهای منتخب ارائه می‌دهد. دستمزد دلاری در ایران، حتی بر مبنای حداقل دستمزد رسمی، در سطحی پایین‌تر از بیشتر کشورهای مورد بررسی قرار می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است قیمت دلاری برخی کالاها در ایران از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد، اما پایین بودن سطح دستمزد دلاری می‌تواند توان خرید واقعی خانوار را محدود کند.

در مرحله بعد، دستمزد ماهانه دلاری هر کشور بر قیمت دلاری اقلام منتخب تقسیم می‌شود تا مشخص شود هر حقوق‌بگیر با درآمد ماهانه خود چه مقدار از کالاهایی مانند برنج، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر، روغن، شکر و حبوبات را می‌تواند خریداری کند. این محاسبه امکان می‌دهد شکاف میان سطح قیمت کالاها و سطح درآمد به صورت عینی‌تر و قابل مقایسه‌تر نشان داده شود.

۷-۲. قدرت خرید کالاهای ضروری بر اساس دستمزد

در ادامه بررسی می‌نماییم که در صورت اختصاص کامل دستمزد ماهانه یک حقوق‌بگیر به خرید هر کالا، چه مقدار از آن کالا را می‌تواند خریداری نماید.

جدول ۱۴- قدرت خرید اقلام خوراکی ضروری بر اساس دستمزد ماهانه دلاری

کشور	دستمزد ماهانه دلاری	برنج (کیلو)	گوشت گاو (کیلو)	مرغ (کیلو)	تخم مرغ (بسته ۱۲ عددی)	شیر (لیتر)	روغن (لیتر)	شکر (کیلو)	لوبیا چیتی (کیلو)	چای خارجی، بسته (۵۰۰ گرم)
ایران	۱۱۵.۵	۷۹.۱	۱۱.۹	۷۰.۹	۱۳۲.۸	۱۶۹.۹	۸۴.۳	۱۴۸.۱	۲۴.۹	۱۹.۳
عراق	۲۶۷.۴	۱۷۴.۸	۲۱.۲	۶۲.۵	۱۵۱.۹	۲۲۶.۶	۱۲۹.۸	۲۷۸.۵	۱۵۹.۲	۹۳.۵
پاکستان	۱۴۳.۹	۱۵۹.۹	۱۸.۲	۵۷.۱	۱۱۱.۶	۱۸۲.۲	۸۰.۴	۲۲۱.۴	۷۹.۹	۲۰.۰
ترکیه	۵۶۶.۸	۲۷۶.۵	۲۹.۵	۱۴۷.۲	۲۴۵.۴	۴۹۲.۹	۱۹۲.۱	۴۶۸.۴	۲۲۱.۴	۸۴.۲
هند	۲۵۹.۹	۳۶۶.۱	۴۴.۴	۸۳.۰	۲۶۲.۵	۳۶۶.۱	۱۲۶.۸	۴۱۹.۲	۱۴۳.۶	۵۵.۵
چین	۸۲۸.۶	۹۲۰.۷	۷۸.۵	۲۵۹.۷	۵۴۱.۶	۴۹۶.۲	۳۱۳.۹	۵۹۶.۱	۴۲۷.۱	۱۹.۹
ایتالیا	۳,۶۱۹.۶	۱۲۷۹	۱۸۶	۳۰۲.۶	۹۰۰.۴	۲۳۸۱.۳	۹۵۲.۵	۱۶۶۸.۰	۹۵۲.۵	۲۶۶.۳

منبع: محاسبات گزارش بر اساس دستمزد ماهانه دلاری جدول ۱۳ و قیمت دلاری خرده‌فروشی اقلام منتخب مندرج در جدول ۶ همین گزارش.

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد که پایین‌تر بودن قیمت دلاری برخی کالاها در ایران لزوماً به معنای قدرت خرید بالاتر نیست. اگرچه قیمت دلاری برخی اقلام در ایران از کشورهایمانند ایتالیا یا ترکیه پایین‌تر است، اما به دلیل پایین بودن سطح دستمزد دلاری، مقدار قابل خرید بسیاری از اقلام خوراکی ضروری در ایران کمتر از کشورهای منتخب است. این موضوع به‌ویژه در مورد گوشت گاو، برنج، روغن، شکر، لوبیا چیتی و چای خارجی قابل مشاهده است.

در ایران، قدرت خرید گوشت گاو حدود ۱۱.۹ کیلوگرم در ماه است؛ در حالی که این رقم در عراق ۲۱.۲ کیلوگرم، در پاکستان ۱۸.۲ کیلوگرم، در ترکیه ۲۹.۵ کیلوگرم، در هند ۴۴.۴ کیلوگرم، در چین ۷۸.۵ کیلوگرم و در ایتالیا ۱۸۶ کیلوگرم است. همچنین قدرت خرید لوبیا چیتی در ایران حدود ۲۴.۹ کیلوگرم است؛ در حالی که این رقم در عراق ۱۵۹.۲ کیلوگرم، در ترکیه ۲۲۱.۴ کیلوگرم، در چین ۴۲۷.۱ کیلوگرم و در ایتالیا ۹۵۲.۵ کیلوگرم برآورد می‌شود. در مورد چای خارجی نیز دستمزد ماهانه در ایران معادل خرید حدود ۱۹.۳ بسته ۵۰۰



گرمی است؛ رقمی که از عراق، ترکیه، هند و ایتالیا پایین تر است و نشان می‌دهد این قلم نیز در نسبت با دستمزد، فشار بالایی بر خانوار ایرانی وارد می‌کند.

با این حال، وضعیت ایران در همه کالاها یکسان نیست. برای مثال، قدرت خرید مرغ در ایران نسبت به عراق و پاکستان بالاتر است و در مورد تخم مرغ نیز ایران از پاکستان وضعیت بهتری دارد. این موضوع نشان می‌دهد که شکاف میان قیمت کالا و سطح دستمزد در ایران پدیده‌ای کاملاً یکدست نیست، بلکه بسته به نوع کالا، میزان وابستگی به واردات، ساختار تولید داخلی، سیاست‌های حمایتی و مداخلات تنظیم بازار متفاوت است. در مجموع، جدول ۱۴ نشان می‌دهد که مسئله اصلی برای خانوار ایرانی فقط سطح قیمت دلاری کالاها نیست، بلکه نسبت این قیمت‌ها با دستمزد ماهانه است. از این منظر، بخشی از اقلام خوراکی ضروری در ایران، حتی زمانی که قیمت دلاری آن‌ها از برخی کشورهای توسعه‌یافته پایین تر است، در نسبت با درآمد خانوار فشار بیشتری ایجاد می‌کنند.

۳-۷. تحلیل شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری

برای جمع‌بندی رابطه میان قیمت و دستمزد، در جدول زیر یک سبد منتخب از ۲۱ قلم کالای خوراکی، مصرفی و شوینده در نظر گرفته شده است. این سبد شامل یک واحد از اقلام پرکاربرد خانوار، از جمله برنج، نان، گوشت، مرغ، تخم مرغ، شیر، پنیر، روغن، شکر، حبوبات، چای، ماکارونی، گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی، پیاز و تعدادی از اقلام مصرفی و شوینده مانند خمیردندان، صابون، مایع ظرفشویی و پودر یا مایع لباسشویی است. سپس هزینه دلاری این سبد با دستمزد ماهانه دلاری هر کشور مقایسه شده تا مشخص شود هر کشور با یک ماه دستمزد، چند بار قادر به خرید این سبد منتخب است.

جدول ۱۵- شاخص شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری در سبد ۲۱ قلمی منتخب اقلام خوراکی، مصرفی و شوینده

کشور	دستمزد ماهانه دلاری	هزینه دلاری سبد منتخب	سهم سبد از دستمزد ماهانه	تعداد سبد قابل خرید با یک ماه دستمزد	شاخص دستمزد دلاری ^{۵۵}	شاخص هزینه ^{۵۶}	شاخص قدرت خرید سبد ^{۵۷}
ایران	۱۱۵.۵	۴۰.۴	٪۳۵.۰	۲.۹	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

^{۵۵} دستمزد دلاری کشور ÷ دستمزد دلاری ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد دستمزد دلاری هر کشور چند برابر ایران است.

^{۵۶} هزینه دلاری سبد کشور ÷ هزینه دلاری سبد ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد سبد منتخب در هر کشور نسبت به ایران چقدر گران‌تر یا ارزان‌تر است.

^{۵۷} تعداد سبد قابل خرید در کشور ÷ تعداد سبد قابل خرید در ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد قدرت خرید دستمزد هر کشور برای این سبد چند برابر ایران است.



عراق	۲۶۷.۴	۴۷.۲	٪۱۷.۷	۵.۷	۲۳۱.۵	۱۱۶.۹	۱۹۸.۰
پاکستان	۱۴۳.۹	۴۴.۱	٪۳۰.۶	۳.۳	۱۲۴.۶	۱۰۹.۲	۱۱۴.۱
ترکیه	۵۶۶.۸	۶۳.۹	٪۱۱.۳	۸.۹	۴۹۰.۷	۱۵۸.۲	۳۱۰.۲
هند	۲۵۹.۹	۳۶.۴	٪۱۴.۰	۷.۱	۲۲۵.۰	۹۰.۲	۲۴۹.۶
چین	۸۲۸.۶	۹۸.۲	٪۱۱.۹	۸.۴	۷۱۷.۴	۲۴۳.۲	۲۹۵.۰
ایتالیا	۳,۶۱۹.۶	۱۰۶.۳	٪۲.۹	۳۴.۱	۳,۱۳۳.۹	۲۶۳.۳	۱,۱۹۰.۴

هزینه دلاری سبد منتخب از جمع قیمت دلاری ۲۱ قلم کالای خوراکی، مصرفی و شوینده منتخب مندرج در جدول ۶ محاسبه شده است.

نتایج جدول ۱۵ تصویر روشن تری از شکاف میان سطح قیمت و سطح دستمزد ارائه می دهد. هزینه دلاری سبد منتخب ۲۱ قلمی در ایران حدود ۴۰.۴ دلار است. این رقم از هند پایین تر نیست و نسبت به پاکستان و عراق نیز تفاوت محدودی دارد، اما از ترکیه، چین و ایتالیا پایین تر است. با این حال، نکته اصلی در سطح مطلق هزینه سبد نیست، بلکه در نسبت آن با دستمزد ماهانه است. در ایران، خرید این سبد منتخب حدود ۳۵ درصد دستمزد ماهانه را جذب می کند؛ در حالی که این نسبت در پاکستان حدود ۳۰.۶ درصد، در عراق ۱۷.۷ درصد، در هند ۱۴ درصد، در چین ۱۱.۹ درصد، در ترکیه ۱۱.۳ درصد و در ایتالیا تنها ۲.۹ درصد است.

به بیان دیگر، اگرچه هزینه دلاری سبد منتخب در ایران از برخی کشورها پایین تر است، اما چون دستمزد دلاری ایران بسیار پایین تر است، همان سبد سهم بسیار بیشتری از درآمد ماهانه را به خود اختصاص می دهد. این یافته نشان می دهد که مسئله اصلی در ایران صرفاً سطح قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان قیمت کالاهای ضروری و سطح دستمزد دلاری است. این شکاف باعث می شود حتی کالاهایی که در مقایسه دلاری مطلق، ارزان تر از کشورهای توسعه یافته یا برخی کشورهای منطقه ای به نظر می رسند، در نسبت با درآمد خانوار فشار بیشتری ایجاد کنند.

بر اساس شاخص قدرت خرید سبد، ایران مبنای ۱۰۰ در نظر گرفته شده است. قدرت خرید سبد در پاکستان حدود ۱۱۴، در عراق حدود ۱۹۸، در هند حدود ۲۵۰، در چین حدود ۲۹۵، در ترکیه حدود ۳۱۰ و در ایتالیا حدود ۱۱۹۰ است. بنابراین، حتی کشورهایمانند پاکستان و عراق که از نظر سطح توسعه و درآمد سرانه به ایران نزدیک تر از چین یا ایتالیا هستند، در این محاسبه قدرت خرید بالاتری برای سبد منتخب اقلام ضروری و مصرفی نشان می دهند.

جمع بندی این بخش حاکی از آن است که در ایران، بخشی از قیمت کالاهای ضروری و مصرفی به سطحی نزدیک به قیمت های منطقه ای و جهانی رسیده یا از برخی کشورها بالاتر است، اما دستمزد دلاری متناسب با این سطح قیمت ها افزایش نیافته است. بنابراین، پدیده اصلی را می توان «شکاف میان دلاری شدن نسبی هزینه کالاهای ضروری و پایین ماندن دستمزد دلاری» دانست. این شکاف، قدرت خرید حقوق بگیران را محدود کرده



و باعث می‌شود فشار هزینه‌ای کالاهای ضروری و مصرفی در ایران بیش از آن چیزی باشد که صرفاً از مقایسه قیمت دلاری کالاها مشاهده می‌شود.

۸- جمع بندی و پیشنهادهای سیاستی

هدف اصلی این گزارش، بررسی این پرسش بود که آیا قیمت اقلام ضروری و مصرفی در ایران، به‌ویژه کالاهای خوراکی، معیشتی، بهداشتی، شوینده و خدمات پایه، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است یا خیر؛ و در صورت نزدیک شدن بخشی از قیمت‌ها به سطوح دلاری، آیا درآمد و دستمزد خانوار ایرانی نیز متناسب با آن افزایش یافته است یا نه.

برای پاسخ به این پرسش، قیمت کالاها در چند سطح تحلیل شد: نخست، قیمت خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار؛ دوم، قیمت خرده‌فروشی بر اساس برابری قدرت خرید؛ سوم، قیمت عمده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار؛ چهارم، فاصله قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ و در نهایت، نسبت قیمت کالاها و سبد منتخب اقلام ضروری به دستمزد ماهانه.

نتایج این مراحل نشان می‌دهد که مسئله قیمت کالاهای ضروری در ایران را نمی‌توان با یک شاخص واحد توضیح داد. مقایسه دلاری قیمت‌ها نشان می‌دهد بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای واردات‌محور، نهاده‌بر و برخی اقلام مصرفی خانوار در ایران به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند. در عین حال، مقایسه بر اساس برابری قدرت خرید نشان می‌دهد که فشار نسبی برخی کالاها بر خانوار ایرانی همچنان بالاست و صرفاً ناشی از نرخ ارز نیست.

از سوی دیگر، تحلیل عمده‌فروشی و حاشیه قیمتی میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی نشان می‌دهد که منشأ گرانی در همه کالاها یکسان نیست. در برخی اقلام، فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؛ در برخی دیگر، فرآوری، بسته‌بندی، شبکه توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارند. همچنین نتایج مقایسه دستمزد و سبد منتخب کالاها نشان می‌دهد که مسئله اصلی فقط سطح قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان قیمت دلاری بخشی از اقلام ضروری و پایین ماندن دستمزد دلاری خانوار ایرانی است.

بر این اساس، جمع‌بندی نهایی گزارش در چهار محور ارائه می‌شود: نخست، میزان نزدیک شدن قیمت اقلام ضروری و مصرفی ایران به سطوح منطقه‌ای و جهانی؛ دوم، نسبت این قیمت‌ها با درآمد و دستمزد خانوار ایرانی؛ سوم، منشأ اصلی فشار بر قدرت خرید خانوار در زنجیره تأمین، تولید، توزیع و خرده‌فروشی؛ و چهارم، پیام‌ها و پیشنهادهای سیاستی برای کاهش فشار هزینه‌ای بر خانوار و اصلاح سازوکارهای شکل‌گیری قیمت.



۸-۱. آیا قیمت اقلام ضروری ایران جهانی شده است؟

نتایج گزارش نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش، مطلق و یکدست نیست. نمی‌توان گفت همه قیمت‌ها در ایران جهانی شده‌اند؛ اما شواهد نشان می‌دهد بخشی از اقلام ضروری و مصرفی، به‌ویژه کالاهای خوراکی واردات‌محور، نهاده‌بر، وابسته به بازارهای جهانی و برخی اقلام تکرارشونده خانوار، از منظر دلاری به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند. این وضعیت بیش از همه در اقلامی مانند برنج، گوشت، حبوبات، چای، روغن نباتی، برخی اقلام پروتئینی و بخشی از کالاهای مصرفی و بهداشتی مشاهده می‌شود.

در تحلیل خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار، ایران در برخی اقلام خوراکی و مصرفی، ارزان‌ترین کشور نمونه نیست و در مواردی قیمت دلاری کالاها به سطح کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر نزدیک می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که خانوار ایرانی در بخشی از سبد مصرفی خود با قیمت‌هایی مواجه است که دیگر صرفاً بر اساس سطح درآمد داخلی قابل توضیح نیست و به قیمت‌های دلاری منطقه‌ای نزدیک شده است.

تحلیل بر اساس برابری قدرت خرید نیز این نتیجه را تقویت می‌کند. در برخی اقلام مانند حبوبات، چای، برنج، برخی کالاهای پروتئینی و تعدادی از اقلام بهداشتی و شوینده، حتی پس از تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها میان کشورها، قیمت نسبی ایران همچنان در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. بنابراین، مسئله فقط تبدیل ریالی قیمت‌ها به دلار نیست؛ بلکه برخی کالاها در ساختار هزینه زندگی ایران نیز نسبت به کشورهای منتخب، فشار قیمتی بیشتری ایجاد می‌کنند.

در سطح عمده‌فروشی نیز نتایج نشان می‌دهد که بخشی از گرانی برخی کالاها از حلقه‌های ابتدایی زنجیره آغاز می‌شود. قیمت دلاری عمده‌فروشی برخی اقلام مانند برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات، چای و بخشی از کالاهای فله‌ای یا واردات‌محور در ایران نسبت به بخشی از کشورهای مورد بررسی بالاتر است. این موضوع نشان می‌دهد که در این اقلام، مشکل صرفاً در خرده‌فروشی یا واسطه‌گری نهایی نیست، بلکه بخشی از فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی به بازار مصرف منتقل می‌شود.

در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه مانند بنزین، برق، گاز خانگی و تا حدی اینترنت، همچنان فاصله زیادی با قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی دارند و به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌های آشکار و پنهان، در ایران بسیار ارزان‌تر از کشورهای منتخب هستند. بنابراین، «جهانی‌شدن قیمت‌ها» در ایران پدیده‌ای عمومی و فراگیر نیست؛ بلکه نامتوازن، کالامحور و وابسته به نوع کالا است. به بیان دقیق‌تر، بخشی از هزینه‌های خوراکی، کالاهای واردات‌محور و برخی اقلام مصرفی خانوار به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند، اما انرژی و برخی خدمات پایه همچنان از منطق قیمت‌های جهانی فاصله دارند.

جمع‌بندی این محور آن است که قیمت اقلام ضروری در ایران به‌طور کامل جهانی نشده، اما در بخشی از کالاهای خوراکی، نهاده‌بر، واردات‌محور و مصرفی، نشانه‌های روشنی از نزدیک‌شدن به قیمت‌های منطقه‌ای و



جهانی مشاهده می‌شود. این وضعیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در کنار سطح درآمد و دستمزد خانوار ایرانی بررسی شود؛ زیرا نزدیک شدن قیمت کالاها به سطح دلاری، بدون افزایش متناسب درآمدها، به کاهش قدرت خرید و تشدید فشار معیشتی خانوار منجر می‌شود.

۲-۸. آیا درآمد ایرانیان هم جهانی شده است؟

بررسی هم‌زمان دستمزد و قیمت کالاهای ضروری نشان می‌دهد که در ایران بخشی از قیمت‌ها به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده، اما دستمزدها متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته‌اند. به بیان دیگر، در برخی اقلام، هزینه‌ها تا حدی «دلاری» شده‌اند، در حالی که درآمد خانوار ایرانی همچنان در سطحی به مراتب پایین‌تر از بسیاری از کشورهای مورد مقایسه قرار دارد.

در جدول ۱۳، دستمزد ماهانه کشورهای منتخب پس از تبدیل به دلار آمریکا مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد که دستمزد دلاری ایران، بر مبنای شاخص دستمزد مورد استفاده در گزارش، پایین‌تر از بیشتر کشورهای بررسی شده است؛ در حالی که قیمت دلاری تعدادی از اقلام خوراکی، مصرفی و ضروری در ایران الزاماً پایین‌تر از این کشورها نیست. جدول ۱۴ نیز با نسبت دادن دستمزد ماهانه به قیمت دلاری کالاهای منتخب، نشان می‌دهد که قدرت خرید حقوق‌بگیران ایرانی در مورد کالاهایی مانند گوشت گاو، برنج، روغن، شکر، لوبیا چیتی و چای خارجی، در بسیاری موارد کمتر از قدرت خرید در کشورهای مانند عراق، ترکیه، هند، چین و ایتالیا است.

جدول ۱۵ نیز با استفاده از یک سبد منتخب ۲۱ قلمی از اقلام خوراکی، مصرفی و شوینده نشان می‌دهد که هرچند هزینه دلاری این سبد در ایران از برخی کشورها پایین‌تر است، اما سهم آن از دستمزد ماهانه در ایران از همه کشورهای مورد بررسی بیشتر است. به بیان دیگر، همان سبد کالا بخش بزرگ‌تری از درآمد ماهانه خانوار ایرانی را جذب می‌کند. بنابراین، مسئله اصلی صرفاً سطح قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری و سطح دستمزد است؛ شکافی که خانوارها را ناگزیر می‌کند سهم بالاتری از درآمد خود را به کالاهای ضروری و مصرفی اختصاص دهند و در نتیجه، امکان هزینه‌کرد برای سایر نیازها کاهش می‌یابد. در نتیجه، پاسخ به پرسش اصلی این محور آن است که درآمد ایرانیان جهانی نشده است. بخشی از قیمت‌ها به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده، اما دستمزد دلاری در ایران پایین مانده و همین عدم تقارن، عامل اصلی تضعیف قدرت خرید خانوار ایرانی است. از منظر سیاستی، این یافته نشان می‌دهد که اتکای صرف به کنترل مقطعی قیمت‌ها یا مداخله کوتاه‌مدت در بازار برخی کالاها نمی‌تواند فشار اقتصادی بر خانوار را به‌طور پایدار کاهش دهد. تا زمانی که تورم مزمن، نوسان نرخ ارز، ضعف بهره‌وری، ناکارآمدی زنجیره تأمین و عقب‌ماندگی دستمزد واقعی اصلاح نشود، شکاف میان قیمت کالاها و توان خرید خانوار همچنان باقی خواهد ماند.



۳-۸. منشأ فشار معیشتی چیست؟

نتایج گزارش نشان می‌دهد که فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی حاصل یک عامل منفرد نیست، بلکه از هم‌زمانی چند عامل شکل می‌گیرد. نخست، بخشی از قیمت اقلام ضروری و مصرفی، به‌ویژه کالاهای خوراکی واردات‌محور، نهاده‌بر، وابسته به بازارهای جهانی و برخی اقلام مصرفی تکرارشونده خانوار، به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است؛ در حالی که دستمزد دلاری در ایران متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. بنابراین، حتی اگر قیمت دلاری برخی کالاها در ایران از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد، سهم آن‌ها از درآمد خانوار ایرانی می‌تواند بیشتر باشد.

عامل دوم، تورم مزمّن و نوسان نرخ ارز است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان باعث می‌شود هزینه تولید، واردات، حمل‌ونقل، انبارداری، سرمایه در گردش و تأمین نهاده‌ها افزایش یابد و این فشار به قیمت نهایی کالاهای ضروری منتقل شود. در چنین شرایطی، کالاهایی که به واردات، نهاده‌های جهانی یا قیمت‌های بین‌المللی وابستگی بیشتری دارند، سریع‌تر از سایر اقلام تحت تأثیر افزایش هزینه قرار می‌گیرند و فشار بیشتری بر خانوار وارد می‌کنند.

عامل سوم، تفاوت منشأ گرانی در گروه‌های مختلف کالایی است. بررسی عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و حاشیه قیمتی نشان می‌دهد که منشأ افزایش قیمت در همه کالاها یکسان نیست. در برخی اقلام، فشار از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؛ در برخی دیگر، فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، شبکه توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارند. بنابراین، نمی‌توان برای همه کالاها یک نسخه واحد سیاستی تجویز کرد و لازم است هر گروه کالایی بر اساس حلقه اصلی فشار قیمت تحلیل شود.

عامل چهارم، نامتوازن بودن ساختار قیمت‌ها و حمایت‌ها در اقتصاد ایران است. در حالی که بخشی از کالاهای خوراکی، مصرفی و اقلام تکرارشونده خانوار برای خانوارها گران شده‌اند، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه همچنان با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از سطح منطقه‌ای و جهانی عرضه می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که منابع حمایتی الزاماً به‌طور مستقیم به تقویت توان خرید اقلام ضروری خانوار منجر نمی‌شود و بخشی از حمایت‌ها در حوزه‌هایی متمرکز است که الزاماً بیشترین فشار روزمره را برای خانوار توضیح نمی‌دهند.

در مجموع، منشأ اصلی فشار بر خانوار ایرانی را می‌توان در شکاف میان قیمت کالاهای ضروری، سطح دستمزد، ثبات اقتصاد کلان و کارایی زنجیره تأمین و توزیع دانست. بخشی از قیمت‌ها به سطح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده، اما درآمدها جهانی نشده‌اند. تا زمانی که تورم پایدار مهار نشود، نرخ ارز ثبات پیدا نکند، زنجیره تأمین و توزیع اصلاح نشود و دستمزد واقعی از هزینه‌های ضروری عقب بماند، فشار بر قدرت خرید خانوار ادامه خواهد داشت.



۴-۸. پیشنهادهای سیاستی

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که فشار وارد بر قدرت خرید خانوار ایرانی صرفاً با مداخله‌های مقطعی در بازار کالاهای اساسی یا کنترل اداری قیمت‌ها قابل مدیریت پایدار نیست. منشأ اصلی مسئله، شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری، سطح دستمزد و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است. از این رو، سیاست‌گذاری در این حوزه باید از رویکردهای کوتاه‌مدت و واکنشی فاصله بگیرد و در قالب مجموعه‌ای هماهنگ از سیاست‌های کلان، حمایتی، تنظیمی و نهادی دنبال شود.

نخست، مهار پایدار تورم، به‌ویژه تورم اقلام خوراکی و مصرفی، باید در اولویت سیاست اقتصادی قرار گیرد. کنترل قیمت کالاهای ضروری بدون کنترل عوامل بنیادین تورم، از جمله ناترازی‌های بودجه‌ای، رشد نقدینگی، نوسانات نرخ ارز و بی‌ثباتی انتظارات، امکان‌پذیر نخواهد بود. در شرایطی که تورم مزمن و جهش‌های ارزی تداوم داشته باشد، هزینه تولید، واردات، حمل‌ونقل، انبارداری، سرمایه در گردش و توزیع کالاهای ضروری افزایش یافته و در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

دوم، سیاست‌های حمایتی لازم است از حمایت‌های عمومی و غیره‌دفع‌مند به سمت حمایت مستقیم از قدرت خرید خانوار، به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی، حرکت کند. با توجه به سهم بالای اقلام خوراکی و کالاهای ضروری در هزینه خانوارهای کم‌درآمد، ابزارهایی مانند کالابرگ الکترونیک، اعتبار خرید کالاهای اساسی و حمایت‌های نقدی یا اعتباری متناسب با تورم خوراکی می‌توانند نقش مؤثرتری در کاهش فشار هزینه‌ای بر خانوار ایفا کنند. شرط اثربخشی این حمایت‌ها آن است که منابع آن پایدار باشد و خود به عامل جدیدی برای افزایش تورم تبدیل نشود.

سوم، سیاست دستمزد باید ارتباط دقیق‌تری با هزینه واقعی سبد کالاهای ضروری داشته باشد. در شرایطی که قیمت اقلام خوراکی، مصرفی و کالاهای اساسی با سرعتی بالاتر از توان درآمدی خانوار افزایش می‌یابد، تعیین دستمزد صرفاً بر مبنای شاخص‌های کلی تورم برای حفظ قدرت خرید کافی نیست. لازم است در فرآیند تعیین حداقل دستمزد، شاخص هزینه سبد کالاهای ضروری، سهم خوراکی‌ها از درآمد خانوار و تغییرات قدرت خرید واقعی حقوق‌بگیران با دقت بیشتری لحاظ شود.

چهارم، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع کالاهای اساسی باید به‌صورت کالابه‌کالا دنبال شود. نتایج گزارش نشان می‌دهد که منشأ افزایش قیمت در همه کالاها یکسان نیست. در برخی اقلام، فشار قیمتی از سطح واردات، نهاده، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر، فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هزینه‌های فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، واسطه‌گری و حاشیه سود نقش بیشتری دارد. بنابراین، سیاست‌های تنظیم بازار باید بر اساس منشأ گرانی هر کالا طراحی شود، نه بر مبنای رویکردی یکسان برای همه اقلام.



پنجم، تقویت نظام پایش قیمت‌ها و قدرت خرید ضروری است. ایجاد سازوکاری منظم برای رصد هم‌زمان قیمت خرده‌فروشی، قیمت عمده‌فروشی، قیمت جهانی کالاها، نرخ ارز، حاشیه توزیع، هزینه سبد کالاهای ضروری و قدرت خرید دستمزد می‌تواند به سیاست‌گذار کمک کند منشأ افزایش قیمت هر کالا را دقیق‌تر شناسایی کند. در نبود چنین نظام پایشی، سیاست‌ها عمدتاً مقطعی، واکنشی و کم‌اثر خواهند بود.

ششم، اصلاح نظام یارانه‌ای و سیاست‌های حمایتی باید با هدف تقویت مستقیم توان خرید اقلام ضروری خانوار انجام شود. استمرار قیمت‌گذاری بسیار پایین در بخش انرژی و برخی خدمات پایه، اگرچه در ظاهر نوعی حمایت عمومی محسوب می‌شود، اما الزاماً به بهبود قدرت خرید خوراکی و کالاهای ضروری منجر نمی‌شود. از این رو، بخشی از منابع حمایتی باید به تدریج و با ملاحظات اجتماعی، به سمت امنیت غذایی، کاهش هزینه تأمین اقلام ضروری و حمایت هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر هدایت شود.

بر این اساس، پیام سیاستی اصلی گزارش آن است که کاهش فشار بر خانوار ایرانی نیازمند رویکردی ترکیبی و هماهنگ است؛ رویکردی که هم‌زمان ثبات اقتصاد کلان، مهار تورم، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع، هدفمند کردن حمایت‌ها و حفظ قدرت خرید دستمزد را دنبال کند.

اجرای این سیاست‌ها نیازمند تقسیم کار روشن میان نهادهای مسئول است. بانک مرکزی باید مهار تورم، ثبات بخشی به نرخ ارز و کنترل رشد نقدینگی را در اولویت قرار دهد. سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی باید با انضباط مالی و تأمین منابع پایدار، از تبدیل حمایت‌های معیشتی به عامل جدید تورم جلوگیری کنند. وزارت جهاد کشاورزی باید تأمین پایدار کالاهای غذایی، نهادهای دامی، ذخایر راهبردی و کاهش هزینه تأمین در مبدأ را دنبال کند. وزارت صمت و سازمان حمایت باید فاصله قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حاشیه سود، شبکه توزیع و تخلفات بازار را به صورت مستمر پایش کنند. گمرک و دستگاه‌های متولی تجارت خارجی نیز باید واردات و ترخیص کالاهای ضروری و نهادهای را شفاف، سریع و کم‌هزینه کنند. در کنار این نهادها، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شورای عالی کار و سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها باید سیاست دستمزد، کالابرگ و حمایت‌های معیشتی را بر مبنای هزینه واقعی سبد کالاهای ضروری تنظیم کنند. مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز باید داده‌های منظم، قابل اتکا و قابل مقایسه درباره تورم خوراکی، قیمت کالاهای ضروری و قدرت خرید خانوار منتشر کنند. در نهایت، سازمان تعزیرات حکومتی و نهادهای نظارتی باید با تخلفات شبکه توزیع برخورد کنند؛ اما اثربخشی نظارت زمانی پایدار خواهد بود که هم‌زمان با اصلاح سیاست‌های ارزی، مالی، تأمین کالا و حمایت از قدرت خرید خانوار دنبال شود.